

# شماره ۹ علیه بیکاری

نشریه کمیته ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری | ۱۲ خرداد ۱۳۶۰ | ۳۰ ریال

## سرمقاله

### کاربایی شماره ۱ به طبقه پنجم یک آپارتمان منتقل شد!

انتقال کاربایی شماره یک به محل جدید یک خبر کهنه است و در واقع وقتی علیه بیکاری شماره ۸ در برج چپ بود این انتقال صورت گرفته بود و ما در اعلامیه هاشمی جداگانه شما را از هجرت! کاربایی مطلع کردیم. اما نگاهی دوباره به این نقل و انتقال برای بازبینی آنچه در کاربایی شماره ۱ اتفاق افتاد لازم است.

خوانندگان علیه بیکاری خوب می‌دانند که کمیته ایجاد در پی سکوت سازمانهای سیاسی در مقابل دعوت‌های مکرر به همکاری تصمیم گرفت خود را با توجه به نیرو و توان محدودش دست‌بیکار پیشبرد مبارزه علیه بیکاری شود و بدینال این تصمیم قرار شد تا از همه کارگران و زحمتکشان بیکار تهران دعوت کنیم که کاربایی شماره یک را تبدیل به محل تجمع دائمی خود کنند.

انتخاب کاربایی شماره ۱ بی دلیل نبود کاربایی شماره ۱ برای کارگران شناخته شده تر بود. جو سیاسی مناسبی داشت و علاوه بر همه اینها اگر به انجامی آمدید می‌دیدید که حیاطی نسبتاً وسیع دارد و واقعاً برای تبدیل شدن به محل "تجمع" بسیار مناسب است و جان می‌دهد برای خانه کارگر شدن!

اما چرا کاربایی شماره ۱ و نه خود "خانه کارگر"؟ خودتان می‌دانید که "خانه کارگر" لانه جاسوسان حرفه‌ای کارخانه‌ها و انجمن‌های اسلامی و مفری برای توطئه‌های ستون پنجمی شده است که در بین کارگران و علیه آنان فعالیت می‌کنند. در مجموع باید گفت "خانه کارگر" کیه روزگاری محل نطق‌های آتشین کارگران بود اینک در دست بقیه در صفحه ۲

## پاسخ رفیقانه کومله

خونی تازه در رگهای ما  
در صفحه ۳ بخوانید

## اعتصاب و عقب نشینی

### "کارگران پارس الکتریک" در مبارزه برای افزایش دستمزد اساس افزایش قیمت‌ها

عسر:

کارگران پارس الکتریک تهران در روز یکشنبه ۶۰/۲/۱۱ برای بدست آوردن خواست:

- اضافه دستمزد براساس افزایش قیمت‌ها،  
- پرداخت ۲۰ روز سود،

اعتصاب کردند. کارگران پارس الکتریک کن روز دوشنبه به اعتصاب پیوستند. اعتصاب ۳ روز به طول می‌انجامد. در کرج کمیته هماهنگی (کمیته اعتصاب) علمی برای رهبری مبارزه تشکیل می‌شود و در تهران نیز نمایندگانی برای پیشبرد اعتصاب انتخاب می‌شوند. اعتصاب در تهران در روز چهارشنبه و در کرج در روز شنبه شکسته می‌شود. کارگران بدون آنکه خواست‌های خود را بدست آورند، موقتاً عقب نشینی کردند.

این گزارش مختصری از ۳ روز اعتصاب کارگران پارس الکتریک بود. آنچه که این اعتصاب را برجسته می‌سازد، گذشته از بحق بودن آن حرکتی است که کوتاه مدت، بشه در صفحه ۱۱

## در صفحات دیگر

- مبارزه کارگران شیر با ستوریزه منطقه خراسان
- ناپهش از قدرت اتحاد و مبارزه کارگران
- اعلام حمایت دو هسته کارگری از "کمیته ایجاد"
- اعلامیه شتابانی "اتحاد مبارزان کمونیست" از "کمیته ایجاد"
- اخراج در کارخانه ابرام پهلوان
- هشدار مجدد به کمیته‌ها!
- سکوت معسردار "کار"
- مبارزه کارگران از زبان کارگران
- "بسر" و گزارش مبارزه کارگران

## پیش بسوی "اتحاد کارگری علیه بیکاری"!

بقیه مقاله از صفحه ۱

دندان کارگران و رسماً در اختیار حزب جمهوری اسلامی و حزب بوده است.

از طرف دیگر وقتی وزارت کار میگوید وظیفه کاربایی ایمنست که از بیکاران شت نام کند و آنها را طبق مقررات به سرکار بفرستد چه جایی بهتر از کاربایی برای تجمع می توان یافت؟

هر جا تخم مرغ می دهند چند مدتها اینستا دارند هر جا مرغ می دهند صدها نفر صف کشیده اند حتی آنجا که موتور سیکلت می بروند از شدت ازدحام برده ها شکسته می شود پس اگر جایی هست که کار می دهند می توان در آنجا جمع شد، وزارت کشور هم نمی تواند بگوید که میستینگ غیرمجاز گذاشته ایست!

تجمع در مقابل کاربایی هر نوع بیانه ای را از پلندار و کمیته جی و واعظ و پلیس بلب می کرد. اگر کارخواهی و جلوی کاربایی منتظر خوانده شدن اسم بیانی ما چه بیانه ای می تواند معرفی کند؟ حتی مخالف کارترسین بیکاران هم برای تجمع در مقابل کاربایی می توانستند جوابی دندان شکن به پلیس بدهند و از عهده سوال و جواب های بازرسی کمیته برآیند.

براستی حساب همان درست از آب درآمد. با هیچ بیانه و نطق و خطابه ای نمی شد کارگران را از کاربایی بیرون کنند. لاجرم به شیوه های مملسان نهیدشان یعنی ساواکی ها متوسل شدند، تعقیب و مراقبت! کار عده ای از پاسداران این شده بود که لباس مندرس بیوشن شده خودشان را کارگر انقلابی جا بزنند، های و هسوی راه بیاندازند و با اصطلاح عناصر منسب جو را سانسائی کنند و آنگاه تعقیب!

اگرچه سیاه پاسداران، کمیته ها و حزب الهی هانشان داده اند که در شور انقلابیون هیچ جدو سرری را برای دانست و تفاوت نائل نیستند. اما تا حد بوده ایم که انقلابیون را برده اند و چند خون گریستان را در میانها رها کرده اند و بخصوص سعی کرده اند برای ارتاب بیشتر این وحشیگری های ددمنشانه شان را حتی با آب و سباب در ادهان عموم جا بیاندازند لکن هنوز باد نگرفته اند که خیلی کسان را از خیلی چیزها نمی شود ترساند، مثلاً انقلابیون را از مرگ و ...!

ما حتی در کاربایی دیدیم که در زیر بعضی از کت های مندرس پاسداران لباس نخمی پوشیده، کلت و بیسیم هم موجود است! اما آنجا که کارگران در صحنه باشند کلت و بیسیم هم کاری از پیش نمیبرد. علاوه بر نانیگوری و بلاغت های این ساواکی های جوان، علت دیگری نیز باعث روشن دست جاسوسان می شد. اصولاً سیاست ما بر این است که نوظنه نکنیم و به نیروی توده ها متکی باشیم.

واضح است که از تجمع در کاربایی نقد شیشه شکستن و دعوا کردن و هیاهو براه انداختن نداشتیم. ما تجمع کارگران را برای آگاه کردنشان از ماهیت گریه رژیم و برای سازماندهی آکسیون هائی در خدمت طلب پشتیبانی کارگران دیگر و بخصوص کارگران شاغل می خواستیم و این کاری است که یک جاسوس نمی تواند هم انجام دهد و هم در عین حال مانع آن شود. ممانعت جاسوسان از چنین

اقداماتی، از عهده حزب الهی هائی که کارشان کتک کاری و چاقو کشی است گریه می آید و مستلزم اقدامات امنیتی بیچیده ای است که کار این ساواکی های بی تحریر نیست.

پس چاره ای جز این نبود که کاربایی شماره ۱ بجائی منتقل شود که اینهمه انرژی که برای رشد و بازسازی ساواک لازم است را سهدر نبرد، و چنین شد.

کاربایی را به محلی بردند که نافذ حباب بوده و عملاً گنجایش کافی برای تجمع را نداشته باشد. البته وزارت فنیجه کار در این استکار وظیفه خود را فراموش نکرده و برای کارگران کار هم ایجاد نموده است چرا که بالا و پائین رفتن از مدبله میسرال کار است.

وزارت کار در این فرار "امنیتی" خود چند چیز را بوضوح و برای چندمین بار ثابت کرد.

اولاً بازم ثابت کرد که ادعاهای مامسی برابری که این وزارت، وزارت کار نیست وزارت سرما به است، کاملاً صحیح است وزارت کار از تجمع کارگران، از آگاه شدن و از دسترسی آنان به حقوق خفه خود می هراسد وزارت کار ثابت کرد که "داشتر کردن کاربایی بقول رهائی اقدامی است برای ممانعت از آمدن کارگران به خیابان" و اگر قرار باشد کارگران به کاربایی بیایند و آنجا جمع شوند نفس غرض می شود و باید آنرا تعطیل کرد.

وزارت کار ثابت کرد که با همه کمیته و دیدگاهش و غیرمغ اینک دست در دست هم برای گانه های سرکوب دارناریای مقاله رودرو با کارگران متحد را ندارد.

بقول رفقای نوادار، اگر عده ای معدود از کارگران بتوانند وزارت خانه ای را از سطح زمین به ارتفاع ۳۰ متری برتاب کنند اتحاد همه آنان می تواند براحتی دولت سرمایه و نظام سرمایه داری را به آسمان هفتم بفرستد.

وزارت کار ثابت کرد تاکنیک ما در دعوت از کارگران بیکار برای تجمع در محلی خاص و بویژه کاربایی ها تاکنیکی صحیح است و او را بر سر یک دوراهی قرار می دهد: یا ایلحه کشیدن بر روی کارگران و افشاشدن صریح و یا فرار!

و بالاخره وزارت کار با این فرار بموقع خود نشان داد که کارگران بیکار مبارز تهران به دعوت های مکرر کمیته ایجاد بی توجهی کرده اند و آنچنان که بایست در بسیج کارگران بمنظور تبدیل کاربایی شماره ۱ به محل تجمع نگوشیده اند و فرصتی عالی و مکانی عالی سررا از دست داده اند.

با اینحال ما هنوز بفکر محل تجمعی دائمی بسرای کارگران بیکار تهران هستیم و به احتمال زیاد کاربایی دیگری را به بیکاران، تهران پیشنهاد خواهیم کرد فعلاً در حال مطالعه ایم و امیدواریم استقبال کارگران از دعوت آتی ما آنچنان باشد که مسئول کاربایی حتی اگر بخواهد نتواند از میان ازدحام جمعیت اسباب کشی کند.

در خاتمه باید بگوئیم که کادری برای ما کارگران بیکاره کوپین نقد و شکر نیست که صرف نظر کرده می باشد، اگر کاربایی را به سرکوه تافهم برسند در آنجا جمع خواهیم شد و اگر آنرا تعطیل کنند هم چندان غرق نمی کند. باختمان بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۱ پاسخ رفیقانه کی مله خون تازه در رگهای ما

هیچ شماره‌ای از تشریح علیه بیگاری را نمی‌توانید بیابید که در نوشته‌های آن ایمان به کمونیسم و کمونیست‌ها موج زرد ما تلخ کردیم که بدو؟ حمایت کمونیست‌ها و سایر انقلابیون را برای پیشبرد مبارزات حق طلبانه کارگران بر علیه بیگاری جلب کنیم و آنجا که با کمونیست‌ها سازمان‌های "کمونیستی" مواجه شدیم و بی‌تفاوتی آنان را در مقابل یکی از مبرم‌ترین مسائل کارگران و زحمتکشان ایران دیدیم تنها ایمانمان به کمونیسم ست نشد بلکه بر عکس بر آن شدیم تا ثابت کنیم هر کس که به کارگران و مسائل مبرم و مبارزاتی آنان بی‌توجه باشد هر قدر هم که در حرف خود را کمونیست معرفی کند، کمونیست نیست.

گفتیم که فرقه‌گرایی و کاسیکاری خفلی است که به کمونیست‌ها نمی‌رسد. کمونیست‌ها نه به منافع خودنه به منافع فرقه خود، بلکه به منافع تاریخی طبقه کارگر جهانی می‌اندیشند و برای رهایی طبقه کارگر، مبارزه می‌کنند و در این مبارزه هرگز این هدف اصلی را بخاطر منافع تنگ‌نظرانه و محدود کنار نخواهند گذاشت. ما از سازمان‌های کمونیستی انتظار عکس‌العملی کمونیستی داشتیم و امروز سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان نمونه‌ای از یک برخوردار رفیقانه و کمونیستی را به

نمایش گذاشته است. همه شما می‌دانید که جمهوری اسلامی مانند دولت‌های پیشین سرمایه در ایران جنگ خونینی را علیه خلق محروم و مبارز کرد به پیش می‌برد و می‌داند که حتی در همان اولین بهار با مطلق آزادی، هوا بیماهای جمهوری اسلامی به فرماندهی تیمسار معظم، کودتای بیست و هشت مردادی معروف (قرنی) شهرهای کردستان را با بمب می‌گوبیدند و حتما خبر دارید که سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله) در رهبری و پیشبرد این مبارزه برحق خلق کرد نقشی اساسی و تعیین کننده داشته و حتی در عرض این دوسه سال یکدم در مقابله و مبارزه با توطئه‌ها و جنایت‌های جمهوری اسلامی آرام نداشتند است.

غیرغم همه اینها در حالیکه امروز به بهانه جنگ با عراق لشکرکشی جمهوری اسلامی به کردستان ایسادی دوجندان یافته است و خاشاکان به خلق کرد نیز هدف خود را از محرومان و زحمتکشان جدا کرده و آنکارا بر علیه انقلابیون مبارزه می‌کنند؛ کومله از فراز کوه‌های سربلک کشیده کردستان از میان آتش و دود و از میان سنگ‌رگهای که از خون فرزندان دلیر این مرز و بوم رنگین شده است، پیام بر محبت و رفیقانه خود را در پاسخ به دعوت کمیته ایجاد بر ایمان ارسال داشته است که در زیر می‌خوانید :

کمیته ایجاد اتحاد کارگری علیه بیگاری رفقا!

نامی مورخ ۱۵ بهمن ماه شما را که در آن سوالات و وظایفی در رابطه با مسئله بیگاری مطرح کرده بودید، با خوشحالی دریافت کردیم. با اینهمه اکنون ما جواب نامه شما را دیر و آسب بدون وارد شدن در بحث راجع به محتوای نامه می‌دهیم. علت این امر چیست؟ اطلاع دارید که سازمان ما اخیراً کنگره دوم خود را برگزار کرد. در این کنگره سرانجام ما توانستیم با پیشنهاد پوپولیستی و اکوسیستی حاکم بر کومله و جنبش مرزبندی کنیم و از این لحاظ این کنگره گام مهمی در حیات سازمان ما بطور محسوب می‌شود و امیدواریم که برای جنبش کمونیستی ایران هم نتایج مثبتی داشته باشیم. تمذیق می‌کنید که بدون طرد پیشنهاد گذشته سازمان - که یکی از مظاهر آن محدودیت فعالیت ما و نوعی جدایی از جنبش کمونیستی و کارگری بود - نمی‌توانستیم جواب جامع و صحیحی بنامه شما و بطور کلی هیچ نوع اتحاد عملی که هر نیروی کمونیستی پیشنهاد می‌کند ارائه دهیم. علاوه بر این دوسه ماه پیش در تدارک کنگره بودیم و کمتر مجالتی برایمان باقی بود، زیرا ما می‌بایستی انرژی خود را صرف مسائل ایدئولوژیک درونمان بنماشیم و بر مشکل املیمان در این زمینه غلبه کنیم و فقط آنگاه می‌توانستیم در مورد اتحاد عملی مشخص - که جای خود ضروری می‌باشند - بطور اصولی گام برداریم.

نظر باینها، ما فعلاً وارد بحث در باره محتوای نامه شما نمی‌شویم. با این امید که از این پس در رابطه با مواضع جدید کومله با اتحاد عملی مشخص - و نه فقط اتحاد عملی - برخوردار فعالان‌ای بنماشیم، چه از لحاظ بررسی و نقد آنها و چه از لحاظ همگامی عملی در صورتیکه آنها را مفید و عملی‌تر بدانیم. با درودهای انقلابی

هیئت مرکزی - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) ۶۰/۱/۲۵ شه

برقرار باد جمهوری انقلابی - دموکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران!  
زنده باد سوسیالیسم!

بقیه از صفحه قبل

کمیته ها پنگرترین، جدی ترین، سرسخت ترین، دستان طیفه کارگرد و اسن در همه حرکاتشان پیدا است. می بینید آنجا که صحت از منافع طبقه کارگر باشد چه مسئولانه برخورد می کنند؟

از همینجا هم می توانید علت این همه سم پاشی و لجن پراکنی را نسبت به کومله دریابید. با اندک گویای جمهوری اسلامی بدترین نیتها را به کومله نسبت می دهند و از میان انقلابیون کرد و سازمانهای بوده ای کردستان این یکی را بخصوص بدنام می کنند چرا که کومله نشان داده است که بیش از دیگران منافع زحمتکشان و محرومان کرد را نمایندگی می کند.

امروز با بالا گرفتن مبارزات مردم ایرلند برای رهایی از زیر یوغ امپریالیسم انگلیس، کارگران کمابیش به حق ملل در تعیین سرنوشت خویش معتقد شده اند و به حرأت می توان گفت که هیچکس نیست که در جدال مردم ایرلند با دولت انگلیس طرفدار انگلستان باشد. در واقع ایرلند کردستان انگلیس است با این تفاوت که اکنون انگلستان شهرهای ایرلند را به راکت نمی بندد، مردم دهکده های ایرلندی را قتل عام نمی کند و هنوز به جنایاتی که جمهوری اسلامی بر کردستان انقلابی روا داشته است منوسل نمی شود.

این حق مسلم یک ملت است که خود در باره سرنوشتش، در باره دولتش و امور خودش تصمیم بگیرد. لکن در هر ملتی طبقات سخاوم وجود دارد. ایرلند هم سرمایه دار و ملاک دارد، کارگر و زحمتکش دارد و ما در عین اینکه تجاور انگلستان را به حقوق مسلم مردم ایرلند محکوم می کنیم، در سن مردم ایرلند طرفدار کارگران و زحمتکشان آنیم و همچنین است در باره کردستان. با بی عرضی و حتی اگر ملت کرد خواهان جدایی کامل از ایران باشد، تجاور دولت مرکزی ایران را نسبت به حق مسلم آنان در تعیین سرنوشت خویش محکوم می کنیم و در میان مسردم کردستان طرفدار و پشتیبان جدی کارگران و زحمتکشان کرد هستیم.

جمهوری اسلامی ممکن است تحت شرایطی با ملاکین و سرمایه داران کرد به توافق برسد لکن هرگز به تسلط کارگران و زحمتکشان کرد بر بخشی از ایران تمکین نخواهد کرد. سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله) سراسری سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان است و هم از اینرو است که جمهوری اسلامی بدترین حملات خود را، متوجه او کرده است.

کارگران ایران باید بدانند که ادعاهای جمهوری اسلامی نسبت به کومله دروغ محض است و باید بدانند که کومله طرفدار کارگران و زحمتکشان و از آن آنها نیست. اینرا سالها مبارزه انقلابی کومله گواهی می دهد.

مصوبات آخرین کنگره کومله نشان می دهد که اسن سازمان با جدت بیشتری می رود تا جدایی تفکار کارگران و زحمتکشان کرد را از ملاکین و استمارگران کره شان ببرد و همچنین در برقراری بیوند مبارزاتی با کل طبقه کارگر ایران بکوشد.

با سخ رفیقانه کومله به ما مه کمیته ایجا د خودتایید عملی دیگری است برای جهت گیری صحیح کومله. ما از همه کارگران آگاه و انقلابی دعوت می کنیم که مصوبات کنگره دوم کومله را بخوانند و با نقد و پشتیبانی عملی و پرولتری خود به سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان یاری رسانند تا بتواند سر از گذشته در راهی که به آن قدم گذاشته است به پیش رود.

از سوی دیگر از رفقای کومله می خواهیم که سه ارزش پشتیبانی معنویان از کمیته ایجا د توجه کافی مبدول دارند. کومله به اعتبار مبارزات انقلابی و ارزش با بنیر خود در بین کارگران آگاه و انقلابی ایران وجهی محبوب دارد و حتی پشتیبانی لفظی کومله از یک سازمان می تواند کمکی موثر و مفید باشد. این کمک مخصوص برای کمیته ایجا د اهمیت ویژه و تعیین کننده دارد.

پیروز باد مبارزات انقلابی خلق کرد!  
زنده باد همبستگی پرولتری!  
برقرار باد جمهوری انقلابی - دموکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران!

بقیه صرف مقاله از صفحه ۲

اصلی وزارت کار را به پاسوق خود تبدیل می کنیم و اینست همراه با جنگ زدگان و آوارگان خاک سفید و گرمسدره خواهیم آمد تا اگر از آنجا هم فرار کردند از آفاق های گرم و نورمان استفاده کنیم!

کارگران و زحمتکشان در مبارزه خود علیه مطالبات و معاشت سرمایه داری همیشه با کل دولت سرمایه مواحه بوده اند و اکنون مسئولان کاربایی و وزارت کار بدانند که بهر حال در جنگ کارگران و زحمتکشان انقلابی اسران اسیر خواهند بود و فرار، فقط چند صاخی می تواند آنان را از آتش روزافزون اغلال مومن دارد.

بیش سوی ایجا د اتحاد کارگری علیه بیکاری!

**“علیه بیکاری” به کمک مالی شما نیازمند است**

**“علیه بیکاری” نشریه “کمیته ایجا د اتحاد کارگری علیه بیکاری” را بخوانید!**

**و بدیگران بدهید!**

## اخراج در کارخانه ایران پوپلین هشاداری مجدد به کمونیست‌ها!

در ساعت ۱۰ صبح سه ماشین پاسدار مسلح به کارخانه آمد و همکاری یکی از عناصر انجمن اسلامی، مشتت نماینده شورا را دستگیر و قصد بردن آنها به کمیته را میکنند. کارگران پس از اطلاع از دستگیری نمایندگان، دست از کار کشیده و همزمان با سوار کردن نمایندگان در ماشینها، پاسداران و ماشینها را در محاصره گرفتند و بیبرمردی ازین کارگران، خطاب به پاسداران میگویند: "تنها با کشتن من قادر خواهید بود نمایندگان را بربایید." عین العمل انقلابی، این کارگری را موجب تهییج بخش از پیشکارگران میشود و کارگران خواستار پیاده کردن نمایندگان خود میشوند. هاتحاد خود پاسداران را به عقب نشینی واداشته و نمایندگان خود را آزاد کردند. توطئه بعدی پاسداران وانجمن اسلامی که قصد دستگیری نمایندگان در موقع تعطیل شدن کارخانه را داشتند نیز با مقاومت کارگران درهم میشکند تا پایان کار از نمایندگان خود محافظت و حمایت میکنند.

پس از خروج کارگران از کارخانه، پاسداران به آبخاریخته و کارخانه را اشغال میکنند. صبح روز ۱/۲۴ از ورود کارگران به کارخانه جلوگیری میکنند. کارگران در جلوی در اجتماع میکنند اما هدایت لیل برخوردار طفل کارگران پیشرو عدم وجود سازماندهی برنامه مشخص، کارگران برای دست زدن به یک اقدام مشخص بسیج نشده و ضرورت تشکیل مجمع عمومی که بطور برآیند و غیر-بخودی در بین کارگران ریزه میشد نتوانست بعنوان یک راه حل عملی در بین آنان جایبفتد. کارگران در جلوی در کارخانه بطور برآیند مشغول بحث کردن شدند و کارگران پیشرو و مبارز نتوانستند آنان را تهییج کنند. در ساعت ۱۰/۵ صبح "حسینی" رئیس مزدور "هیئت پاسکاری" به کارخانه آمده و شروع به صحبت کرد و از سایل مختلفی همچون خیانت کمونیستها در کومون پاریس، پرشیزا ز مادیات ۰۰۰۰ تا وعده بختیارد ریاد یواسرائیل جنی برائتخاف با خلقیهادر تشکیل کابینه! سخن گفت. سپس نیست ۷۰ نفر از کارگران پیشرو و مبارز کارخانه را اعلام و آنان را به هیئت احضار نمود و در مقابل اعتراض کارگران گفت: "ما میتوانستیم همه شما را اخراج نموده و جایبان از ۱۲۰۰۰ کارگریکار استفاده کنیم!"

از مفاتد نفری که احضار شده بودند تعدادی عضو شورا و بقیه از افراد مبارز کارخانه بودند و در بین آنان کارگران سنی باسن بالای ۵۰ سال نیز وجود داشتند. این عده بدین میج گویند برنامه ای روانه خانه مایشان شدند و تنها عده معدودی از آنان در کارخانه باقی ماندند و در مجموع میگی بپذیرفتند که به نزد هیئت رفته بیآن مذاکره کنند (حسینی اعتراف کرده بود که فقط میخواهد با آنان مذاکره کند و جای هیچگونه نگرانی نیست؟! ) و تنها قرار گذاشتند که در نزد هیئت تعهد نمانند. صبح روز بعد عناصری که به هیئت احضار شده بودند، سرپس جلوی در کارخانه پیاده شده و بدین آنکه هیچگونه اقدامی برای تهییج کارگران و جلب حمایت آنان انجام میدادند.

ازید تنها قبل رژیم تصمصیم به سرکوب کارگران کارخانه ایران پوپلین گرفت. اما رژیم برای اجرای این قصد خود از چند اقل نبود و بین کارگران نیز برخورد آری بود و انجمن اسلامی نیز یکبار در مجمع عمومی ای که تشکیل داده بود از طرف کارگران طرد شده بود. بنابراین استاندارد کارگروفت انقلابی گیان عناصر مزدور و وابسته، عده این چمقا در وینیز عناصری از "هیئت پاسکاری" را به کارخانه گسیل داشت. تا این زمان استخدام کارگران بیکار از طریق اداره نیروی انسانی رشت تنها مصرفی شورایی که به وسیله کارگران بیکار در این اداره تشکیل شده بود، انجام میگرفت. اما استاندارد مستقیماً عناصر مزدور خود را در کارخانه انتصاب کرده و برای آنکه دستش برای انجام چنین کاری در این کارخانه و سایر کارخانه ها باز باشد، اقدام به سرکوب شورای بیکاران نمود و چون کارگران شاغل کارخانه است و شوراهای متشکل های کارگری غیرم درخواست شورا از آن حمایت نکردند، استاندارد به اجرای این توطئه و اقدام ضد کارگری موفق شد و متشکل کارگران بیکار را برآیند نمود.

با ورود عناصر مزدور و خود فروخته به کارخانه ایران پوپلین توطئه شروع به شکل گیری نمود. انجمن اسلامی غیرم اینک که کمکان نمیتوانست اعضاء خود را معرفی نماید، دست به انتشار اطلاعیه های زد، مدیرو امور اداری و معاون کارخانه که از طرف استاندارد مصوب شده بود بد و نفر از نمایندگان کارگران اخطار دادند که با عین العمل عده کثیری از کارگران، عقب نشینی کرده و با خطاریه خود را پاره نمود. ۰۰۰۰۰۰

بالاخره در تاریخ ۱۹/۱/۶۰ اجرای توطئه تصمصیم کارخانه از عناصر مبارز و انقلابی وارد مرحله نهایی شد و پس از شناسایی کارگران مبارز، در این تاریخ ۸۰ نفر از اعضاء فعال شورا را جهت مصاحبه، در روز شنبه ۲۲/۱/۶۰ به "هیئت پاسکاری" احضار می نمایند. پس از مراجعه اعضا شورا به "هیئت" و انجام گفتگوهای عقاید و هیئت اقدام به اخراج آنان نموده و به نگهبانسی کارخانه اطلاع میدمد که از ورود آنان به کارخانه جلوگیری بعمل آورد. صبح روز یکشنبه ۲۳/۱/۶۰، نمایندگان به جلوی در بیایند و اکثریت کارگران (۳۰۰ نفر از ۴۵۰ نفر نیز پس از اطلاع از زمانعت از ورود نمایندگانشان، در جلوی در کارخانه اجتماع میکنند و سپس سخنرانی های افشاگرانه نمایندگان در مورد ماهیت رژیم و وحشت آن از نیروهای آگاه در داخل کارخانه و... با شعار "درود بر کارگر مبارز"، نمایندگان را بداخل کارخانه و به جلوی در دفتر اداری میبرند. در اینجا پس از صحبت های چند نفر از کارگران از بین خود نمایندگان ای انتخاب میکنند تا به نژد "حسینی" رئیس هیئت پاسکاری رفته و از او خواهند تا در داخل کارخانه و در مجمع عمومی کارگران دلیل اخراج اعضا شورا را توضیح دهد. پس از تماس نمایندگان مزدور با "حسینی" و قول او در مورد حضور در کارخانه و توضیح دلایل اخراج کارگران متفرق شده و هرکدام به قسمتهای خود میروند.

**تصمیم گیری در مورد اخراج حق مسلم مجمع عمومی کارگران است!**

و همچنان متفعل باقی ماندند . در این روز تعدادی از کارگران کوشیدند تا از داخل کارخانه ، کارگران را جهت حمایت از کارگران احضار شده بسیج کنند و به جلوی درکارخانه بیایند ، اما موفق نشدند .

در روز سه شنبه ۶۰/۱/۲۵ ، ۵ نفر دیگر به هیئت پاکسازی " احضار شدند . دیگر کوچکترین اعتراض و یا حتی خصومت قبلی قلابی نایمی انجمن اسلامی با کارگران موجب اخراج آنان میگردد . در روز چهارشنبه دو نفر دیگر از افراد کارخانه که سعی داشتند در سرپوشهای کارخانه کارگران را به حمایت از کارگران اخراجی تهییج کنند ، مستقیماً و بدون احضار به " هیئت پاکسازی " اخراج شدند .

در روز ۱/۲۶ و روز بعد اعلامیه های با امضای " هسته نبرد کارگر " ایران پویان " در سرپوش و در محوطه کارخانه پخش شد که در آن از شورای کارخانه حمایت شده بود و ضمن برشمردن اقدامات شورا در زمینه دفاع از آزادی های سیاسی ، ایستادگی در مقابل اقدامات ضد کارگری رژیم ، اخراج عناصر مزدور سرمایه به انکاب نیروی انقلابی کارگران و دفاع از طرح رسمی نمودن کارگران بخش ساختمانی و ..... و اعلام اینکه همین اقدامات که از بدگاه سرمایه داری و نوکران حاکمان اعلی ضعیف انقلابی و خائلیگانه در نظم دلخواه سرمایه داری است ، دلیل اخراج نمایندگان شورا بشمار میروند ، از کارگران خواسته بود که انحلال شورا را به رسمیت نشناسند و از شورا بخواهند که خواستار تشکیل مجمع عمومی کارگران بشود ، هیئت پاکسازی را به مجمع عمومی فریبناخورد و از آنان بخواهند که دلایل خویش را برای اخراج نمایندگان شورا و احضار ۷۰ نفر به مجمع عمومی ارائه دهند و در مقابل نمایندگان شورا و نیز کارگران اخراجی حق داشته باشند که از خود در حضور کارگران دفاع کنند . اعلامیه در انتهای از کارگران میخواست که حق اخراج کارگران و یا هر عنصر دیگری را از کارخانه تنها برای مجمع عمومی کارگران به رسمیت نشناسند . اما اختناق چنان بر کارخانه مستولی شده بود و کارگران چنان از اخراج ترسیده بودند که هیچیک از کارگران اعلامیه را نخواندند . بخشی از اعلامیه ها توسط کارگران به رودخانه ریخته شد و بخشی دیگر تقریباً دست نخورده توسط انجمن اسلامی جمع آوری شد .

در روز پنجشنبه ۷۰ نفر کارگران احضار شده بوسیله هیئت پاکسازی ، دلسرد از عدم حمایت کارگران ، به کارخانه رفتند و انجمن اسلامی و هیئت پاکسازی اعلام نمودند که میخوانند مجمع عمومی تشکیل بدهند ( البته بدون حضور نمایندگان شورا و دیگر کارگران اخراجی ) و در آنجا مدارکی را که از شورا بدست آورده اند ، مطرح کنند !!

هم اکنون ترس از اخراج کارگران را فرا گرفته و جو خفقان بر کارخانه حاکم شده است .



در شکست مبارزه کارگران ایران پویان دو عامل با وضوح و ببر جستگی خاصی به چشم میخورد : ضعف پیشروان و ترس بازدارنده بیگاری وسیع بر مبارزه کارگران . دو عاملی که در ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر قرار دارند .

الف - ضعف پیشرو : در کارخانه ای که انجمن اسلامی پاراگن جاسوس رژیم از طرف کارگران طرف شده بود و قادر به آشکار کردن عناصر خود و فعالیت غنی نبود ، در کارخانه ای که عکس العمل کارگران ، مزدوران رژیم را به عقب نشینی واداشته و به پاره کردن " اخطار به شورا " مجبور کرده بود

و در کارخانه ای که کارگران در مقابل مسلمانان با سدا زبان سرمایه سینه سر کرده و نمایندگان خود را آزاد مینمایند و ..... و بالاخره در کارخانه ای که رژیم برای اجرای توطئه های خود مجبور به استخدام چماق دار میگردد و برای سرکوب مبارزات کارگران ناگزیر از اخراج و یا احضار و گرفتن تعهد از قریب ۸۰ کارگر از مجموع ۴۵۰ نفر کل کارگران کارخانه ( میگردد . کارگران پیشرو اجازه میدهند تا ابتکار عمل بدست رژیم بیفتد و کاربرد آنجا میکند که مزدوران رژیم ، هیئت پاکسازی و انجمن اسلامی ، خود تصمیم به تشکیل مجمع عمومی بگیرند !! شورا و کارگران پیشرو کارخانه در مقابل اقدام توطئه گرانه وارد کشیدن عناصر چماق دار به کارخانه عکس العمل شایسته نشان نمیدهند و از مبارزه کارگران بیکار و از تشکیل آنان حمایت نمیکند پس از روز اول و در حالیکه کارگران نشان داده بودند که از آمادگی خوبی برای بیگیری مبارزه و جلوگیری از اخراج کارگران هارز برخوردارند ، کارگران پیشرو با نداشتن یک برنامه مشخص و توانایی در بسیج و سازماندهی کارگران ، به حسینی مزدور اجازه میدهند که آنان را تهدید به اخراج معرب کرده و ۷۰ نفر دیگر را نیز به لیست اخراجیها اضافه نماید . برخورد متفعل کارگران احضار شده و عدم اقدام آنان به تهییج و بسیج کارگران و تکلیف به احضار خود بوسیله هیئت به رژیم و مزدوران آن اجازه میدهند که با بکارگیری ظاهرانه حربه اخراج ، خفقان را بر کارخانه حاکم کند و حاکمیت خود را در کارخانه برقرار نماید ، بدین آنکه کارگران پیشرو و کمونیست توانسته باشند در جریان این مبارزه کوچکترین دستاوردی را برای کارگران ، در میان بوسیله آنان تثبیت کرده باشند . تصور نمیکند برای اثبات ضعف کارگران پیشرو و کمونیست بحث دیگری لازم باشد . تاکید بر این نکته که این ضعف در درجه اول معلول نداشتن برنامه ای مشخص برای مقابله با اخراج کارگران مبارز پیشرو بوده است . عاملی که عدم بسیج کارگران برای دست زدن به اقدامات مشخص و عدم کوشش برای تثبیت دستاورد های معینی در راستای این برنامه را موجب شد .

ب - تاثیر بازدارنده بیگاری وسیع بر مبارزه کارگران : گفته حسینی مزدور مبنی بر اینکه " ما نمیتوانیم شعار اخراج نموده و بجای آن از ۱۲۰۰۰ کارگر بیکار استفاده کنیم " و خفقانی که بدنهال احضار و اخراج قریب ۸۰ نفر از کارگران پیشرو و مبارز و بدلیل ترس بقیه کارگران از اخراج بر کارخانه حکم فرما میشود ، خود بگویند وجهی تاثیر بازدارنده و منفی بیگاری وسیع بر مبارزه کارگران را بیان میکند ، تاثیر بازدارنده و منفی ای که تا وقتیکه کارگران پیشرو و کمونیستها برای آن چاره ای نمیدیدند و به مقابله و مبارزه قدرتمند و مدفعی با بیگاری برنخیزند ، کمکان برجای خواهد ماند . در واقع تا وقتیکه کمونیستها و کارگران پیشرو اهمیت مبارزه علیه بیگاری را در کل مبارزه طبقه کارگر و روحیات مبارزه طبقاتی آن در نیابند ، مبارزه علیه بیگاری را تنها در مبارزه کارگران بیکار خلاصه کنند و آنرا تنها از زاویه فقر و فلاکت کارگران بیکار مورد توجه قرار دهند ، ارتباط بیگاری با کارگران شاغل را تنها از زاویه " بیگاری شتری است که در خانه هرکارگری میخوابد " برای آنان طرح کنند و تاثیر بیگاری را در مبارزه کارگران شاغل و اهمیت اتحاد کارگران شاغل و بیکار در مبارزه علیه بیگاری را خود در نیابند و برای کارگران توضیح ندهند ، بیگاری و اخراج کمکان حربه برنده ای خواهد ماند در دست بورژوازی و دولت و مزدوران آن برای سرکوب مبارزه

بقیه در صفحه ۱۴

و تنها به مبارزه خود، اتحاد، ابتدائی ترین درس در مبارزه است، اتحاد، حرکت منطقی کارگران در مقابل اتحاد دشمنان شان است. این درس گرانبهای صدها سال مبارزه انقلابی کارگران سراسر جهان است. اما آیا قدمهای شما در تحکیم این اتحاد نمی توانست از این پیشتر رود؟

می دانیم، اتحاد کارگران شیر پاستوریزه به تنهایی نمی تواند ضامن يك مبارزه پیروزمند باشد. این اتحاد هرچقدر هم مستحکم باشد در غیاب حمایت کارگران دیگر کارخانه ها، در غیاب مبارزه شما برای جلب این حمایت، شکننده است، در مقابل پیشروی دشمن، در مقابل تانکهای آبی او یاری مقاومتی گسترده راندارد. شما میخواستید به روزنامه ها اطلاع دهید، بسیار خوب، ایرادی ندارد، اما روی سخن شما می باید مشخصاً کارگران دیگر کارخانه ها باشد. بنابراین آنچه در مبارزه شما غایب بود تلاش شما برای جلب حمایت کارگران کارخانه های دیگر بوده است. شما میتوانستید متنی تهیه کنید که گزارش مبارزه شما را، تصمیمات شما را برای پیشبرد آن، حقانیت آنرا به گوش همه کارگران برساند. نمائندگان خود را به همراه این متن سریعاً به همه کارخانه ها روانه می کردید. شما ماشین های حامل شیر را به شهر نرستادید،

میتوانستید در کنار رانندگان مبلغین خود راهم برای انشای گری درین کارگران و مردم مبارزه شهر بنرستید. اصلاً خود رانندگان مبارز شیر پاستوریزه می توانستند این وظیفه را بر عهده بگیرند. اگر شما کارخانه را سلخته اید، خشت و بنای آنرا برپا داشته اید، سالها در آن کار کرده اید، آهراه مبارزه این نیست که تنها به خشت و آجر و سیمان کارخانه تان بیانید بشید، راه مبارزه اینست که به هزاران کارگر انقلابی و مبارز درون کارخانه های دیگر، به متحد شدن صفتان در یک مبارزه مشترک بیانید بشید. فکر کنید که اگر همه کارگران در شرایط مساعد مبارزه به "حوظه" کارخانه خود، به سیمان برای تیر آهن های کارخانه های خود، به کار خود بیانید بشید، مبارزات کارگران در چهارچوب کارخانه های منفرد محصور خواهد ماند و بورژوازی تک تک این سنگرها را در پورن های محراب سرکوب خواهد نمود. تنها سنگری به وسعت تمامی کارخانه ها بسا نیروئی هرچه بیشتر از کارگران، پیشبرد يك مبارزه پیروزمند را تضمین خواهد کرد.

دقت کنید! دشمنان کارگران همیشه میخواهند آنها را منفرد و مجزا از هم سرکوب کنند. نیروئی هرچه بیشتر از کارگران، دشمن را در موضع ضعف قرار میدهد. می بینید حتی در شهر از تماس شما با عابترین جلوگیری کردند چون انشای شما، خیر مبارزه شما برای آنها از هر زهری کشنده تر است. آنها را در نزد مردم و کارگران بیخیزان پیش رسوا میکنند، عوام فریبی ها و دوطرفه پانان را انزال میکنند.

هم اکنون نیز دیر نشده است. کارگران قهرمان شیر پاستوریزه مشهد!

با تلاش گسترده حمایت کارگران دیگر را از مبارزه خود جلب کنید. گزارش مبارزات خود را، چونکی پیشبرد آنرا، دستاوردهای آنرا به آگاهی شان برسانید. مطمئن باشید آنها از مبارزه بحق شما پشتیبانی خواهند نمود، درصوبف شما خواهند بود. پس دست بکار شوید دوستان!



جلو درب کشته اتوبوسها توقف میکنند، کارگران جلودر و کاربیاده رو تجمع میکنند و با نریاد صدای خود را بگوش رهگذران میرسانند و جریان را برایشان تعریف میکنند. پاسداران تلاش میکنند کارگران را بداخل ببرند، آنها مقاومت میکنند. یکی از کارگران با صدای بلند انشای میکند. پاسدارها او را گرفته و با زور بطرف کمیته میکنند، کارگری رذیق خود را بغل کرده و نمیگذارد که او را ببرند. پاسدارها میزنند، کارگران مقاومت میکنند. کارگر دیگری را که با صدای بلند از کارگران دفاع میکند، بقصد کشت میزنند. در همین موقع بسیجی ها و دیگر پاسدارها دودستگاه اتوبوس را طوری پشت سرهم ردیف میکنند تا بین کارگران و رهگذرها مانع ایجاد کنند. اتومبیلها را دور تا دور کارگران پارک میکنند. کارگران با بدن ایسن وضعیت تصمیم میگیرند که سبیل خود وارد کمیته شوند. در همین هنگام افراد بسیج و سپاه از پشت سر کارگران با سنگ حرکت سریع و متحد و با فشار هرچه بیشتر تمام کارگران را به محوطه کمیته پاسداران میبرند و در بیهوشی آنها بسته میشوند. پس از گذشت ۳ ساعت بحالت سروصدای کارگران و درخواست علت دستگیری خود، تعدادی از آنها را جابجا میکنند و در اطرافهای جداگانه دور از هم نگه میدارند. افراد را بجز ۱۴ نفر يك بيك به اتاق دیگری بردند و در آنجا پرسشنامه های شامل مشخصات و آدرس منزل کارگران پر میکنند و تعهد میگیرند که ساعت ۸ صبح دوشنبه خود را به کمیته معرفی نمایند. ۱۴ نفر را در بازداشت نگه میدارند تا صبح دادستان بیاید. کارگران در خارج از کمیته قرار می گذارند که نزد صبح اول همه جلو کارخانه جمع شوند، سپس همه با هم به کمیته مراجعه کنند. مبارزه همچنان ادامه دارد.

۶۰/۱/۳۱

\* \* \*

مبارزه کارگران شیر پاستوریزه ادامه یافت ولی ما خبری از چگونگی آن نداریم \*، و این باعث تأسف است ولی با این وجود تا آنجا که میتوانیم سعی میکنیم به مهم خود دستاوردهای این مبارزه را بگوش کارگران برسانیم. از همین رو به ذکر سیر گزارش بنده نمیکیم. سخنی داریم با کارگران این کارخانه!

کارگران مبارز شیر پاستوریزه مشهد! شما با اتحاد خود نشان دادید که می توانید مبارزه خود را در برابر دشمنان رنگارنگ کارگران به پیش ببرید. مقاومت جانانه شما برای جلوگیری از اخراج دوستان کارگرتان، تمامی کارگران را به وجد می آورد. به آنها می آموزد که در مقابل دشمن، در مقابل بورژوازی هایش باید پایداری نمود، اتحاد خود را حفظ کرد و مبارزه را درست ترین شرایط فشار و سرکوب ادامه داد.

مواردی همچون تصمیم گیری مجمع عمومی در مورد اخراج هر فرد از کارخانه، محاکمه مدیریت در مجمع عمومی، انشای پیگیری عوام فریبی ها و حذیله های مدیریت و ارگانهای رژیم، تسن ندادن به مذاکره ای که نابرابری در آن از پیش مسجل است و... سطح بالای آگاهی و مبارزه شما را نشان میدهد. شما وحدت خود را حفظ کردید. و در مقابل ارگانهای سرکوب رژیم دلاورانه ایستادید، اما تنها به وحدت خود تکیه کردید

(\* آخرین خبر: قرار است تا روز چهارشنبه ۶۰/۲/۳۰ - کارگران دستگیر شده محاکمه شوند.

## ”بیکاران“ و در جازدن در فرمیسم

باره نمی‌بینیم . در این مقاله تنها به یک مورد انگشت می‌گذاریم و آن وجود فرمیسم مزمن و ریشه‌داری است که سراپای ”بیکاران“ را فرا گرفته است . این فرمیسم ، فرمیسم حزب‌توده و جبهه ملی در دوره سکون سال‌های ۵۰ نیست . این فرمیسم ، فرمیسم دوران انقلاب است و حتما خوب می‌دانید که در شرایط انقلابی ، فرمیست‌ها خاشن و ضد انقلابند . بیش از این حاشیه نمی‌رویم و بخود ”بیکاران“ رجوع می‌کنیم ؛ ”بیکاران“ می‌گوید :

”در هر جامعه‌ای بیکاری را باید در سیستم اقتصادی - اجتماعی آن جستجو کرد و در کشور خودمان در ساخت سرمایه‌داری وابسته ... در طی دوسالی که از قیام بهمن می‌گذرد، وزرای متعدد کار جد از استعاب به این سمت اظهار نظرها و باصلاح راه حل‌هایی را برای رفع بیکاری مطرح کرده‌اند . ولی آنچه که تا بحال هماناست شده است ، این است که نه تنها آقای میر محمدصادقی، بلکه هر ارگان دیگری که فاقد برنامۀ قطع وابستگی‌باشد، قادر به حل بحران بیکاری نیست“ ( ص ۴ - ناکیدارما )

”ما بیکاران می‌پرسیم : آیا بعد از انقلاب نمی‌بایستی به کشاورزی بمسئول نقطه شروع حرکت برای قطع وابستگی اقتصادی به امپریالیسم می‌پرداختیم ؟ آیا برای تولید و توزیع بهتر محصولات کشاورزی ، روساهایمان احتیاج به برق ، لوله کشی ، حفرتیرواچراه‌سازی‌ده‌ها کار دیگر نداشتیم ؟ آیا روستائیان ما به درمانگاه و حمام نیاز نداشتند ؟ ... حال چگونه است که شما هیچکدام از اینها را ندیده‌اید و وعده‌و وعید می‌دهید که خون‌بخشانه دولت برایتان شغل پیدا کرده . بازسازی مناطق جنگ‌زده، دوستان بیکار ! ... ما معتقدیم باید از نیروی عظیم بیکاران در جهت قطع وابستگی کشور از امپریالیسم استفاده گردد . تا نیروی ما در خدمت مردم رحم‌کنش جامعه باشد و نه در خدمت سرمایه‌داران و چپاولگران . دولت باید برای همه شغل ایجاد کند و در صورتی که قادر نباشد موظف است به ما حقوق ایام بیکاری و بیمه درمانی بدهد . برای رسیدن به این خواستها باید که در تشکل بیکاران گردهم آئیم“ . ( ص ۵ )

”آقای رحایی نیز می‌گوید که ”بیکاری آتش‌زیر خاکستر است“ . اما بهجمله محبتی از نمهد دولست در مقابل بیکاران نمی‌شود . نمهدی که حتی در قاسون جمهوری اسلامی نیز آمده“ . ( ص ۳ - ناکیدارما )

بله‌و اگر خواهیم تمامی گفته‌های علناً فرمیستی ”بیکاران“ را در اینجا بیاوریم ؛ بالاچار باید یک نسخه نشریه ”بیکاران“ را به این مقاله ضمیمه کنیم . اما برای بحث مورد نظر ما تا به همین حد کافی است . آنچه ”بیکاران“ می‌گوید را خلاصه می‌کنیم :

”بیکاری را باید در سیستم سرمایه‌داری وابسته

نشریه ”بیکاران“، ارگان کائونتهاو شوراهای بیکاران، بعد از یک تعطیلی ۶ ماهه مجدداً انتشار یافت . در آغاز سنی‌دایم از انتشار دوباره ”بیکاران“ باید اظهار خوشوقتی کنیم با ابراز تأسف! اظهار خوشوقتی کنیم چرا که ”بیکاران“ با انتشار دوباره‌اش، امکان نقد و طسره آتکار نقطه‌نظراتش را هم به کارگران هوادار خود و هم به ما داده است . با ابراز تاسف کنیم که ”بیکاران“ شش‌ماه متوالی در جازده و قرص و محکم به نظرات لیبرالی و رهنمودهای فرمیستی پیشین‌اش چسبیده !

مع‌الوصف باید بگوئیم عمیقاً برای ”بیکاران“ متأسفیم . متأسفیم چرا که انتظار داشتیم تا در این شش‌ماه ”بیکاران“ کلاه خود را قاضی کند، به ارزیابی گذشته خود و نقد دیدگاه فرمیستی‌اش بنشیند . انتظار داشتیم تا نتیجه برخورد‌های خود به ”بیکاران“ (در سلسله مقالاتی نگاه می‌کنیم بیکاران) مندرج در ”علیه بیکاری“ ( ۳ و ۴ ) را در فعالیت‌امروز مؤثر ببینیم . انتظار داشتیم تا دل از ”قطع وابستگی بمسئول راه چاره بیکاری“ بکند، عفت‌ماندگی سیاسی خود را جبران کند و نسبت به ”وعده‌و وعیدهای دولت“ توهم پراکنی و افشاکری هم‌های آجنانی بکند . انتظار داشتیم تا دست از سر ”تشکیلات سراسری بیکاران“ بردارد و مبلغ ”اتحاد کارگری علیه بیکاری“ و نه اتحاد هرچه بیکار است ، باشد . آری تنها وقتی که ”بیکاران“ سکوت کرده بود این انتظارات جایز بود . ولی همیشه دوباره انتشار یافت ، معلوم شد که آزار آتکان نخورده است !

اکنون وظیفه ما است تا اگر معتقد به لیبرالیسمی و فرمیستی بودن ”بیکاران“ و به این اعتبار مضر بودنش به حال جنبش کارگری هستیم ، با آن مبارزه کنیم و تلاش سائیم تا جنبش کارگری از چنین جریان احرافی مسرا باشد .

سراغ نشریه ”بیکاران“ می‌رویم . در اینجا اگر خواهیم بکنیم مواضع و گفته‌های ”بیکاران“ برخورد کنیم، قطعاً موجبات کسالت خاطر خوانندگان را بوجود آورده‌ایم . امروز دیگر جریان زنده مبارزه طبقاتی خود آن نظریات لیبرالی را بطور واقعی نقد کرده است و تمامی مبلغین این نظریات اکنون جایی در اردوگاه بورژوازی برای خود دست و پا کرده‌اند . امروز کارگران مبارز می‌خواهند بدانند در فعال بیکاری چه باید کرد . از کجا باید آغاز کرد و در سیر مبارزه کدام مواضع عملی و فکسری را باید از سر راه برداشت .

تنها محض اطلاع خوانندگان می‌گوئیم ؛ ”بیکاران“ همان حرعیمات لیبرالی ”برنامه قطع وابستگی“ ( بمشابه راه حل بیکاری ) و وابستگی بمسئول علت بیکاری را در نشریه جدید خود باز تکتیر کرده است . و ما قبلاً به این نظریات برخورد کرده و لزومی به برخورد مجدد در این

نه سازش ! نه خواهش ! کار ، بیمه ، اصلاحات ، حاصل پیکار ما است !



مستحو کرد اما برای حل آن باید برنامه قطع وابستگی داشت! (بنابر آنچه که تا بحال به "بیکاران" ثابت نده) هر ارگانی (منظور سازمانی دولتی است) اگر این برنامه قطع وابستگی را نداشته باشد، قادر به حل بحران بیکاری نیست. ما بیکاران این برنامه را در دست داریم و حاضریم تا متمهدانه آنچنانکه در قانون جمهوری اسلامی نیز آمده، بدون وعده وعیدهای دروغین بدان عمل کنیم تا این آتش زیر خاکستر خاموش شود!

مخالفت نمیکنیم. این عین گفته های "بیکاران" است و "بیکاران" بهتر از هرکس میداند که مخالفه ای در کار نیست.

ما در مورد علت بیکاری، راه حل نهایی و همچنین فوری آن در این تشریح بسیار گفته ایم. گفته ایم علت بیکاری نظام تولید سرمایه داری است. گفته ایم حل نهایی آن با وجود نظام سرمایه داری ممکن نبوده و تنها در سوسیالیسم امکان پذیر است. گفته ایم که تا رسیدن به سوسیالیسم، برای رفع مشکل کارگرترکسین بیکاری و بوحشت رسانیدن صفوف طبقه کارگر، مبارزه فوری از طریق اتحاد کارگران بیکار و شاغل، از طریق "اتحاد کارگری علیه بیکاری" لازم و ضروری است. و هم چنین گفته ایم که برنامه قطع وابستگی "بیکاران" و نظایر او یک فریب بورژوا-لیبرالی برای سرکوب مبارزات بحق و انقلابی کارگران علیه بیکاری است و جز این خاصیتی ندارد، لذا بیش از این در این موارد مکتن نگردد و به نصایح رفرمیستی بیکاران به ارگانهای جمهوری اسلامی میپردازیم.

#### اعترافات رفرمیستی "بیکاران"

"بیکاران" اعتراف میکنند: "تنها چیزی که تا بحال به او ثابت شده، این است که هر ارگانی از دولتست جمهوری اسلامی که برنامه قطع وابستگی نداشته باشد، قادر به حل مسئله بیکاری نیست!"

بله تا بحال به "بیکاران" ثابت نشده که ارگانهای رنگارنگ جمهوری اسلامی ماموران اجرایی سرمایه اند، ثابت نشده که این ارگانه بنا به مکانی که در این دولت بورژوازی اشغال کرده اند، موظف و متمهد به رتسق و فتق مسائل و مشکلات طبقه سرمایه دارند. به "بیکاران" ثابت نشده که این ارگانه از ادارات کاربایی گرفته تا وزارت کار، از وزارت کشور گرفته تا سپاه پاسداران و ارتش، همگی مسئول حفظ شرایط مطلوب بسرای استثمار و حشانه کارگرانند. به بیکاران ثابت نشده که هر ارگانی که الزاما بمعنای یک سازمان دولتی است، بنا به وظیفه طبقاتی از پیش تعیین شده اش برای تأمین و حفظ این شرایط میگوید و نمیتواند نکوشد. اینها منابع طبقاتی یک طبقه یعنی - طبقه سرمایه دار - حکم میکنند تا دولت و تمامی بدو بیمایش عامل حفظ سلطه طبقاتی بر پرولتاریا باشد. اینها دولت، یکماهه است طبقاتی، یک رسالت طبقاتی، یک عملکرد طبقاتی و یک وظیفه طبقاتی دارد.

کدام کارگر آگاه و مبارزی است که نداند رژیم جمهوری اسلامی در این دوسال و اندی چه کرده است؛ که هر چه کرده به دفاع از منافع بورژوازی و بر علیه

کارگران و زحمتکشان انقلابی بوده است؛ که ندانند همین جمهوری اسلامی مبارزه بیکاران را در گوشه و کنار کشور با تفاوت به خاک و خون کشیده است؛ که نداند تنها همین یک ماه پیش، کارگران بیکار بجمراه زن فرزندانشان در شهر قهرمان منتدج کشتار شدند. که نداند کارگران در طی این دوسال هرجا که از دستاوردهای قیام بکفدم عقب نشسته اند، همین رژیم و به اتفاق کلیه ارگانهایش، دوقدم پیش آمده است و هرجا که با مبارزه انقلابی از این دستاوردها حراست کرده، حکومت سرمایه را پس نشانده. کدام کارگر انقلابی است که اکنون نداند که در چهار گوشه ایران، جمهوری اسلامی شیخ اخراج را بر سر کرده کارگران شاغل گذاشته و با تهدید آنان به بیکاری، استثمار هرچه شدیدترشان را سازمان میدهد. کدام کارگر شیوینیستی است که رعب و وحشت را در کلام و چهره تمامی سردمداران جمهوری اسلامی نبیند، آنزمان که اعصاب کارگران شرکت واحد را محکوم میکنند، یا به نکه داران اتهام حجت میکنند با کارگران را از کمونیستها میترسانند! ...

در اینجا، در جایی که بیش از دوسال آنچه بیس کارگران و زحمتکشان انقلابی و این رژیم و تمامی ارگانهایش در میدان نبرد طبقاتی گذر شده است، مبارزه و فداکاری بوده و سرکوب و فریب: "بیکاران" از پشت ارگان رفرمیستی اش، با رعایت ادب و نزاکت افاغسه میکند: "ولی آنچه که تا بحال بنا ثابت شده است، این است که نه تنها آقای میرمحمد صادقی، بلکه هر ارگان دیگری که فاند برنامه قطع وابستگی باشد، قادر به حل بحران بیکاری نیست!" !! بله هر ارگانی می خواهد باشد؛ کاربایی یا وزارت کار، هیئت دولت یا مجلس شورا، اشکالی نیست اگر نوکر حلقه به گشوش سرمایه داران باشد، تنها کافی است تا این برنامه جادویی قطع وابستگی را داشته باشد تا از بیکاری اثری نماند!

این "مردم" نیست، این کار اکثریت نیست، این میزان و انقلاب اسلامی و رنجبران نیست، این "بیکاران" است که چنین عوامفریبانه و رفرمیستی باوه گوشتی میکند. و در ادامه برای آنکه منادا و طلع "بق زدن و راه حل ارائه ندادن" به او نجسد، برنامه قطع وابستگی اش را رو میکند: "عمران و آبادانی دهات و لوله کشی و برق کشی و حفر قنوات برای تولید و توزیع بهتر محصولات کشاورزی! اینها "بیکاران" دیگر از "سایه بان به گانه انقلاب سفید" و جهاد سازندگی رژیم هم رادیکالتر شده! و سپس با زبان بی زبانی به دولت میگوید: چرا اینها را ندیده اید و نمی بینید؟ چرا به بیراهه میروید؟! این همان برنامه ای است که ما داریم و شما ندارید. این همان است که به تعهدی که در قانون جمهوری اسلامی نیز آمده جامعه عمل خواهد پوشاند. بدان عمل کنید تا مطمئن شوید بیکاری این آتش زیر خاکستر دانستن را بخواهد گرفت! این همه آن چیزی است که بیکاران برایش مبارزه میکنند: رفرمیسم!

رفرمیستها، خاش به انقلابند، دشمن کارگرانند!  
رفرمیسم، رژیم بورژوازی را پی خواهد به اماغسه  
بقیه در صفحه ۱۰

## "نبرد" و گزارش مبارزه کارگران

کارگران چگونه تضاد خواهند کرد. آیا این برخورد را برخورد تنگ نظرانه و حسابگرانه تلقی خواهند کرد و نخواهند گشت که "نبرد" از آنجا که این شعار بوسیله "علیه بیکاری" طرح شده و برخط آن منطبق است، آنرا نقل نکرده است؟ آیا آنرا بحساب عدم شجاعت "نبرد" در برخورد صریح به شعاری که احیاناً آنرا صحیح میدانند، نمی گذارند؟ آیا... اگرچه ما امید داریم که این برخورد ناشی از اشتباه رزبیک گزارشگر بوده و سهواً پیش آمده باشد، اما بهرحال این خود "نبرد" است که می بایست بما، به خوانندگان "نبرد" و "علیه بیکاری" و به کارگران، در این باره توضیح دهد.

"مستود"

نشریه "نبرد" - ارگان "گروه کونیستی نبرد"، در شماره ۲۳ مورخ ۱۹ اسفند خود، گزارشی از اعتراضات و مبارزات کارگران بیکار در کارمایی شماره ۱ در بهمن ماه و راهپیمایی آنرا بتاريخ ۵۹/۱۱/۱۵ درج کرده است. ما از این مسئله صریحاً می گوییم که "گروه کونیستی نبرد" به مسئله بیکاری چگونه می نگرد، بیکاری و مبارزه علیه آن را در زندگی و مبارزه کارگران چگونه ارزیابی میکند و مکان مبارزه علیه بیکاری را در کج مبارزات کارگران و زحمتکشان چه میدانند و...؟ ما این سؤالات را بکرات در نشریه علیه بیکاری و بیگانه‌های در نامه‌ای که برای همه گروهها و از جمله "گروه کونیستی نبرد" ارسال کردیم، طرح نمودیم و مناسبانه تاکنون پاسخی دریافت نکرده ایم.

سؤالی که در اینجا مطرح میشود اینست که "گروه کونیستی نبرد" نتواند و وظیفه خود را در مقابل مبارزه کارگران علیه بیکاری چگونه ارزیابی میکند؟ آیا "گروه کونیستی نبرد" وظیفه خود و ارتقاء را گزارش مبارزه کارگران میدانند و نقش خود را بعنوان یک کونیست به گزارشگری مبارزه آنان تقلیل میدهد یا اینکه برای خود وظیفه سازمان دادن، آگاهی دادن و ارتقاء مبارزه کارگران و رهبری آن را فائل است؟ در صورتی که "نبرد" وظیفه خود را این دومی بداند، متأسفانه در سرتاسر گزارش کترین اثری از انجام چنین وظیفه‌ای چشم نمی خورد. گزارش مذکور در "نبرد" نه تنها کوچکترین رهنمودی برای مبارزه کارگران ندارد، بلکه حتی از نقد این مبارزه مشخص کارگران، از تأیید حرکتها، شعارها و جنبه‌های مثبت آن، تا کید بر این جنبهها و برجسته کردن آن و از انتقاد به جنبه‌های منفی آن و... صیغ اثری ندارد. و تألیفاً که به این مبارزه و گزارش مشخص مربوط میشود "نبرد" همان وظیفه اول یعنی وظیفه گزارشگری صرف مبارزه کارگران را به عهده گرفته است.

نکته آخر چگونگی گزارش دهی "نبرد" است. گزارش "نبرد" نه تنها همه و با عده شمارها و بلاکارهای راهپیمایی کارگران را نقل نمیکند، بلکه حتی در برخی از مسوولان، شعاری را که از طرف کارگران داده شده است، بطور ناقص نقل کرده است. از جمله، گزارش یکی از شمارهای کارگران را چنین نقل میکند: "کارگران بیکار، اتحاد اتحاد علیه بیکاری" و "کارگران شافل، کارگران بیکار، اتحاد اتحاد علیه سرمایه دار، علیه بیکاری". درحالی که اصل شعارها چنین بوده است: "کارگران شافل، کارگران بیکار، اتحاد اتحاد علیه بیکاری". ما از "نبرد" سؤال می کنیم خوانندگان "نبرد"، خوانندگان "علیه بیکاری"، کسانی که در جریان این تظاهرات بوده‌اند و گزارش این تظاهرات را در زمینه علیه بیکاری شماره ۱۰ خوانده‌اند کارگرانی که در این تظاهرات شرکت داشتند در مورد این شیوه گزارش دهی از مبارزات

### بقیه از صفحه ۹ بیکاران و ...

بازه‌ای اطلاعات و بازه‌ای اصلاحات را می‌خواهد تا رژیم بورژوازی را از گزند انقلاب حفظ کند. در فریم فریب بورژوازی کارگران است؛ محدود ساختن مبارزه به اصلاحات است. تمام تلاش "بیکاران" چه در گذشته و چه در حال حاضر این نبوده است. این تلاش در شرایط انقلابی، در زمان روبروایی آشکار طبقات، به هنگام دیده شدن برده‌های فریب و سرک بورژوازی، خاشاکه است. ضد انقلابی است. و به همت انقلابی کارگران می‌بویا گشته هم هست.

ما کمیونتها با رژیم مخالف نیسیم. ما از هر امکان حزبی، از هر سترت کوچک و از هر اطلاع و رفیعی که تنها نتیجه مبارزه انقلابی برون تار باست برای سبط و رند مبارزه طبقاتی او استفاده می‌کنیم. اما ما کمیونتها صریحاً تا رژیم مخالفیم. با آن سیروسی که مبارزه را به کسب اطلاعات حزبی محدود میکند، با آنکه به کارگران نمی‌گوید، پیشروی تا عقب نشینی دشمن است و عقب نشینی تا، پیشروی مصاف دشمن. ما آنکه اطلاعات را مطالبه می‌کنند تا میان صفوف طبقه کارگر تفرقه اندازد تا رژیم سرمایه داری را حفظ کند، ما با آن مخالفیم. و "بیکاران" در تمام طول حیاتش در چنین لحززار متعفن درجا زده است.

اکنون سوت کارگرانی است که به رژیم در برنامه و عمل "بیکاران" توهم داشته‌اند. سوت آنهاست تا تکلیف خود را با "بیکاران" روشن نمایند. روشن کنند که طرفدار مبارزه رژیمستی اند یا مبارزه انقلابی، هوادار وحدت عمل رژیمستی و بورژوازی علیه انقلاب و کارگراند یا "اتحاد کارگری علیه بیکاری"!

چنان

سازمانی رزمنده، بر علیه بیکاری، ایجاد باید گردد!

نصه از صفحه ۱ اعتصاب

اما همانک کارگران برای بدست آوردن اضافه دستمزد بر اساس افزایش قیمت هاست . هنوز چند روز از پایان اعتصاب نمیگذرد که خیبر میثوم کارگران پالایشگاه شیراز نیز برای اضافه دستمزد بر اساس افزایش قیمت ها در کنار چند خواست دیگره رژیم و هیئت مدیره دولتی را تهدید به اعتصاب نموده اند . این حرکت با حمایت کارگران پالایشگاه تهران و امفهان همراه است .

از هم اکنون می توانیم صدای گامهای کارگران ایران را برای به کف آوردن افزایش دستمزد بر اساس افزایش قیمت ها بشنویم . شاید بتوانیم بدرستی بگوئیم ، اعتصاب کارگران پارس الکتریک سرآغازی برای حرکت کارگسران در جهت بدست آوردن این خواست بوده است . دیروز پارس الکتریک ، امروز پالایشگاه شیراز و فردا ؟

هم اکنون فلاکت کمزکن ، بیکاری وسیع و بالاخره گرانی سبب اعلام جهاد آشکار کارگران را میطلبند ، باید به مقابله با آنها دست زد ، باید دست بیکار شد .

می پرسیم ، هم اکنون بار بحران کمزکن بر دوش چه کسانی است ؟

کیست که فقر را با گرانی در ابعاد وحشتناکش در زندگی خود هرروزه لمس میکند ؟

کیست که باید شاهد بیماری همسر بیکارش ، شاهد گرسنگی و بی خانمانی خانواده اش ، شاهد ضعف و حتی مرگ فرزند کوچکش باشد ؟

از خود بیرسید ، چه کسی از افزایش قیمت ها بیش از همه در عذاب است ؟ فقیرتر می شود ؟ نوبت فروش دیگر حتی به کفش هایش رسیده است ، هربار با شرمساری باید سراغ دوست و آشنائی برود که بارها از او در عیب ننداری قرض کرده است ؟

بگوئید چه کسی ؟ حاجی بازاری ها ؟ سرمایه داران نرجه ؟ یا حزب اللهی هائی که در عرش سیر میکنند ؟

بگوئید ؛ کمی دستمزد ، افزایش قیمت ها ، بیکاری ، به مرگ مادر ، همسر ، فرزند چه کسانی می انجامد ، باعث جدائی و اختلاف در خانواده چه کسانی می شود ؟ زندگی چه کسانی را بهم میریزد .

روشن است ! بار بحران ، بار افزایش بیش از پیش قیمت ها تماما بر دوش کارگران و زحمتکشان است . و در این شرایط این حق ابتدائی ماست که برای زنده ماندن خود ، برای حق حیات خانواده مان مبارزه کنیم .

مبارزه برای افزایش دستمزد ، یعنی مبارزه برای تامین ابتدائی ترین حق مان ، حق زنده ماندن !

این خواست برحق تمامی کارگران ایران است .

اگر کارگران پارس الکتریک خواهان اضافه دستمزد بر اساس نرخ تورم هستند ، اگر کارگران کارخانه ای دیگر

برای ۴۰ ساعت کار مبارزه می کنند ، اگر کارگران بیکار خواهان پرداخت بیمه بیکاری هستند ، پرداخت سود ویژه ، مسکن مناسب ، طبقه بندی مشاغل کارگری خواست کارگسران کارخانه های مختلف است ، اینها تلاش گسترده طبقه کارگر برای مقابله با فلاکت موجود است . فلاکتی که بورژوازی می خواهد به ما تحمیل کند .

روشن است مبارزه سراسری کارگران برای "نان" اکنون در کارخانه پارس الکتریک خود را در خواست افزایش دستمزدها بر اساس نرخ تورم متیلور ساخته است . و در این مبارزه دو طبقه رودرروی هم ایستاده اند . در یکطرف انبوه ستمکار کارگران و زحمتکشان و در طرف مقابل ، بورژوازی با دولتتش ، با احزاب رنکارنگ و دستجات فاشیستی اش ، با مزدوران پنهان و آشکارش !

چرا که مبارزه کارگران برای " نان " سوده های سرمایه داران را هرچه بیشتر کاهش خواهد داد . و این یعنی تقلیل سهم بورژوازی از تولید اجتماعی ، یعنی تمعیق بحران سرمایه داری ، یعنی به صدا درآوردن ناقوس مرگ سرمایه ها در شرایط بحران اقتصادی . بنا براین بورژوازی تمامی امکاناتش را بخدمت خواهد گرفت . ستمکارگران و زحمتکشان را از مبارزه برحق شان برحذر دارد . و آنها که نمی توانند ، سرکوب کند .

در مقابل ، خواست اضافه دستمزد بر اساس افزایش قیمت ها ، خواست تمامی کارگران ایران است . کارگسران پارس الکتریک پیشتروان راه مبارزه برای به کف آوردن این خواست بوده اند و به همین خاطر می گوئیم این اعتصاب از اهمیت خاصی برخوردار است . با وجود اینکه خواست این اعتصاب ، خواست تمامی کارگران است با وجودیکه کارگران پارس الکتریک مصمانه برای بدست آوردن آن بها خواستند ، با وجودیکه این مبارزه می توانست از حمایت دیگر کارگران برخوردار شود ، با وجود همه اینها ؛ اعتصاب بدون پیروزی متوقف ماند . کارگران فیلدا از مبارزه برای بدست آوردن خواست هایشان دست کشیدند . فعلاً عقب نشستند . و بدست آوردن خواست هایشان را اگر نه آشکارا به دور دیگری از مبارزه سپردند .

این عقب نشینی دلایل بسیاری دارد . اگر کارگران پیشرو پارس الکتریک با خود میانداشند مطمئناً خواهند گفت : از تجربیات گذشته از ناکامی ها و پیروزی ها به اندازه کافی درس نگرفته بودیم . کارگران دیگر را به حمایت از مبارزه خود نطلبیدیم . کارگران را برای رسیدن به خواستها و استعمار مبارزه تشویق نکردیم . با کارخانه های دیگر ارتباط نگرفتیم اعتصاب شکن ها را طرد نکردیم . با انفعال کارگران در نیافتادیم و ...

کارگران پیشرو پارس الکتریک همه اینها را با خود خواهند گفت . که بسیاری از آنها هم درست است . اما ما می خواهیم در اینجا بر سه نکته تاکید کنیم و درسهایی را که مدت ها است آموخته ایم ، با آوری کنیم .

۱ - اتحاد اولین شرط پیروزی است

تورم ، گرانی ، باعث افلاس ماست ! ... اخراج ، بیکاری ، مانع بیکار ماست ! کارگران اتحاد !

نه تنها اتحاد کارگران پارس الکتریک بلکه اتحاد با کارگران شاغل دیگر کارخانه ها، اتحاد با کارگران بیکار!

این دیگر روشن است که کارگران پارس الکتریک می باید در این حرکت وحدت صفوف خود را حفظ کنند. اما تا مین پایدار حتی همین اتحاد نیز در گرو جلب حمایت کارگران دیگر است.

**کارگران قهرمان پارس الکتریک!**

شما می باید بحق بودن مبارزه خود را، خیر اعتصاب تان را به گوش تمامی کارگران برسانید. کمینته اعتصاب شما می باید با انتشار بیانیه ها و اوراق تبلیغی، سازماندهی نمایندگانی از طرف شما به دیگر کارخانه ها با تبلیغ گسترده این وظیفه را پیش می برد. بیانیه های اعتصاب شما می باید کارگران دیگر کارخانجات را مخاطب می گرفت. و با توضیح خواسته های تان، با توضیح علل مبارزه تان حمایت تان را جلب می کرد.

شما می باید به کارگران دیگر بگوئید چرا خواست شما خواست تمامی کارگران ایران است. چرا برحق است. باید بگوئید که بورژوازی برای احیای سودهای افسانه ای سرمایه هایش می کوشد و برای اینکار مجبور است که شما را بیشتر و شدیدتر استثمار کند مجبور است که مزدهای شما را به سطحی پائین تر از ارزش حداقل معیشت مان تنسیزل دهد. بگوئید که تنها راه مقابله با این فلاکت، مبارزه متحدانه طبقه کارگر است.

**کارگران! حمایت کارگران دیگر در هر سطحی که باشد نیرو دهنده ماست. صفوف مان را تقویت می کند و پیروزی مان را مسلح! اتحاد اولین درسی است که در هر مبارزه باید آتزا به یاد داشته باشیم. درسی که کارگران تا پایان راه، تا پیروزی نهائی می باید بدان تکیه کنند.**

**آیا کارگران بیکار را فراموش کرده بودید؟**

کارگران انقلابی پارس الکتریک! بگوئید! آیا در مجمع عمومی های خود، در تبلیغ خود در طول اعتصاب، هیچ به این فکر بوده اید که حمایت کارگران بیکار را جلب کنید؟ آیا هیچ به این اندیشیده بودید که بخش وسیعی از برادران کارگرتان که می باید متحد شما برای پیشروی باشند، در خارج کارخانه ها، در کاربایی ها، در خیابانها هستند؟ آیا یک قدم برای جلب حمایت این کارگرتان برداشته اید؟ آیا اطلاع بدان فکر کرده اید؟

دقت کنید! اعتصاب شما با سکوت کارگران پایان گرفت. با سکوتی که علت آنرا کسی آشکارا اعلام نکرد. آنها در طول اعتصاب کارگران به این فکر نمی کردند که بیکار با مزد کمتری به حاشیان استخدام گردند؟ آیا کارگران و از جمله کارگران پارس الکتریک، بیکاری را تا موقعی که راه حلی برای آن ندارند چون شمشیری برننده بر بالای سر خود احساس نمی کنند؟ اخراج دسته جمعی را چطور؟ آیا شرح بیکاری در کارخانه وجود نداشت؟

بینهان تان نکنید، جواب بدهید! پنهان کردن پاسخ به این سوال ها نشانه ضعف ما در مقابله با آنهاست. نشانه عدم آگاهی ما به اولین و بزرگترین درس در مبارزه

یعنی "اتحاد" است.

به همه کارگران توضیح بدهید، که بیکاری چگونه می تواند حربه ای برنده در دست بورژوازی برای بائین نگهداشتن مزدهایمان باشد. چگونه بورژوازی می تواند از بیکاری سرعلیه ما استفاده کند. اگر ما نتوانیم اتحاد خود را با کارگران بیکار حفظ کنیم، بورژوازی می تواند لشکری را که در تمامی شهر پراکنده است، لشکری را که از خود ماست بر علیه ما بکار گیرد. اگر ما نتوانیم با آنها متحد شویم! اگر ما نتوانیم حمایت تان را جلب کنیم.

**او می تواند، اگر ما نتوانیم.** بنابراین کارگران! کارگران بیکار را از یاد نبرید. آنها را به حمایت از مبارزه تان فرا بخوانید از مبارزات آنان پشتیبانی کنید. اینرا نه فقط در اعتصاب خود، بلکه در عمل و مستمراً با حمایت مادی و معنوی خود از مبارزاتشان با مبارزه برای تامین اتحاد کارگران شاغل و بیکار در مقابله با بیکاری تامین کنید. آنوقت می بینید که چگونه نه تنها بیکاری سدی در مبارزه شما نخواهد بود، بلکه کارگران بیکار خود مبلغین مبار شما برای جلب حمایت کارگران دیگر می شوند. بخش کنندگان بیانیه های شما در سطح شهرها خواهند بود، در مبارزه دوشادوش شما می هکنند، بزرگترین فداکارها را خواهند نمود.

آنوقت می بینید که چگونه بورژوازی و دولت شرعش خواهد گرفت. و بدون تامل می باید در مقابل مبارزه مشترک شما عقب نشینی کنند و با تعرض نمایند و گور خود را هر چه بیشتر با دست خودشان بکنند. در آن زمان شما به پیروی واقعی اتحاد کارگران پی می برید.

کارگران پارس الکتریک! اگر در اعتصابات برای جلب حمایت کارگران بیکار تا مل کردید، اگر پیش از این بدان نیاندیشیدید اگر درسی بزرگ در مبارزه، "اتحاد کارگری" را از یاد بردید، هنوز دیر نیست. بدانید مبارزه کارگران بیکار مبارزه شماست. بدانید آنها با آغوش باز دستهای تان را می فشارند. از هم اکنون دست بیکار شوید! برای وجود آوردن اتحاد کارگری علیه بیکاری بگوئید.

**۲ - حربه های رژیم را خنثی کنید.**

به یاد دارید که چگونه رژیم جمهوری اسلامی در اعتصاب رانندگان شرکت واحد از تمامی امکاناتش و از تمامی بلندگوهایش استفاده کرد تا اعتصاب کارگران را محکوم کند. آنرا شکست دهد. رژیم در مقابل هر اعتصابی، هر مبارزه ای باز هم همان دلایل را می آورد. تا آنجا که بتواند سلاح دروغ و عوام فریبی و آنجا که نتواند با چماق و گلوله به سواغ مبارزه می آید. ممکن است بگوئید اعتصاب شما هنوز در ابتدای که اعتصاب واحد با کفش ملی، رژیم را غافلگیر کرد نبوده است. مطمئن باشید که او تبلیغاتش را یکدم فراموش نمی کند. حال چه کارگران مبارز پارس الکتریک باشند، چه کردستان انقلابی و چه جنبش انقلابی دانش آموزان. مزدوران پنهان و آشکارش در کارخانه و شهر، در اتوبوس و رادیو، از همه جا سر بر می آورند. همان چیزهایی را می گویند که در

تلاش شما برای افزایش سود سرما به پتان اینست که قیمت نیروی کار ما را (دستمزد ما را) ثابت کنید. (و با اگر زورتان برسد تقلیل دهید).

کارگران! می بینید جوهر تشبیه قیمت ها، پاکهتن دستمزدها از نقطه نظر بورژوازی، صاف پوست کنده یعنی افزایش سودها پتان.

همین است که همه شان متحداً جلوی خواستمان، برای اضافه دستمزد می ایستند و حتی با زور توپ و تانک هم شده برای حفظ خود، برای حفظ حاکمیت سرما به پتان جمیعاً به معیشت مان حمله می کنند.

پتان براین کارگران روشن است که باید در پاسخ به همه این عوام فریبی های بورژوازی چه بگوئید: بگوئید افزایش دستمزد ما باعث کاهش سود شماست نه باعث افزایش قیمت ها! این شما هستید که برای جبران ضرر هایتان به قیمت کالاهای خود داشماً می افزایشید.

۳ - پیروزی تنها با پایداری در مبارزه میسر است!

اینرا باید با حروف درشت بر سر لوحه درسهای مبارزات خود حک کنیم. بدانید که این درس را ما تنها از این مبارزه نیا موخته ایم. اینرا مبارزه کارگران سراسر جهان به ما آموخته است. اینرا کمونیستها بارها و بارها به کارگران یادآوری کرده اند که کارگرانی که استوار نباشند هیچگاه پیروز نمی شود. باید پیروزی کرد. سنگرها را یک به یک فتح نمود. تزلزل، صافه ناپیکیری را باید از صوف خود طرد کرد. اینرا کارگران خود دیگری بارها و بارها در مبارزاتشان، در انقلاب آموخته اند. این درس را هر شکست، هر پیروزی باز هم به کارگران یادآوری می کند. نباید جبهه ها را خالی نمود. گردانی که برای فتح سنگری بسج شده است، نباید بیراهه رود. نباید پراکنده شود و نباید جا برسد.

پیروزی کلید پیروزی است. هر عقب نشینی شرایط را برای پیروزی آتی مهیا نکند شکست است.

کارگرانی که بارها طعم پیروزی را با همه کوشش مدت بودندشان، با همه کوچک بودنشان چنده اند، کارگرانی که یکبار دشمن را در اوج کیکبه و دندبه اش با فداکاریها و جاننازیهای بی شمار به زیر کشیدند، برای این چنین کارگرانی، برای این نسل که انقلابه او درس های گرانبهای آموخته است. ناپیکیری، ضعف، شفرقه آتجا که خود بدان آگاه باشد نابخودنی است. حال کارگران پارس الکتریک خود فضاوت کنید!

آیا در مجمع های تمهد شما به ادامه مبارزه، تمهد شما به پیشبرد اعتصاب تا بدست آوردن خواسته هایتان نبود که رهبران دلیرتان را در موضع شان مستحکم نمود؟ آیا به نادگی از تمامی تمهدات خود دست کشیدید؟ آیا این شما سویدید که مقاومت با بی ساند را ناهدمی آوردید. آنرا الگوی مقاومت و پایداری خود در این مبارزه می دانستید، اگر امروز به نادگی سنگرها را رها کردید، اگر امروز عقب نشینی کردید، فردا می توانید از اخراج

مقابل هر مبارزه ای خواهند گفت. "جنگ است جبالست بکشید"، "دولت ضد امپریالیست است او را نقویت کنید"، "سلکت در خطر است" و... تمامی آن حربه هائی را که ما در علیه بیگاری گذشته به کارگران شرکت واحد هشدار دادیم. ما به رانندگان واحد گفتیم که این حربه ها را چگونه خنثی کنند. شما نیز به مدافعان این نقطه نظرات فرصت ندهید. شما هم همان پاسخی را بدهید که رانندگان واحد می دهند. می توانید یکبار دیگر علیه بیگاری را بخوانید. و ببینید که چه پاسخی برآورده این مفتربان و عوام فریبان است.

علاوه بر اینها اینبار رژیم بجز محکوم کردن مبارزه ما و تلاش برای عقب نشینی ما از مبارزه، خواستار مبارزه ما را نیز رها نخواهد ساخت.

می گویند: شما با اعتصابتان، خود با اعتصاب افزایش قیمت ها هستید. شما دارید قیمت ها را با اعتصاب خود افزایش می دهید. زیرا افزودن بر دستمزدهای شما صافی است با ترفی بیشتر قیمت ها!

کارگران! شما در پاسخ اینان بگوئید ما نمی خواهیم قیمت ها را افزایش دهیم. این اصلاً در کنترل ما نیست، ما می خواهیم به دستمزدهای خود بیافزاییم.

در ادامه بپرسید که شما که از قیمت تلویزیون کارخانه تان تا قیمت اتومبیل، کسرو محصولات کشاورزی کشت و صنعت تان، بنزین تان، سیگار تان همه را مداوماً افزایش می دهید، چرا به فکر! افزایش قیمت ها نیستید که حالا هنگامیکه ما برای حق خود مبارزه می کنیم مدایتان در می آید.

این تلاش شما برای سودآوری بیشتر است که نرخ تورم را افزایش می دهد این هملکرد سرما به پتان در بازار است حالا شما می خواهید آنرا به نام ما و مبارزه ما تمام کنید.

همیجا جالب است که بدانیم بهزاد نبوی سخنگوی بورژوازی و دولت در کیهان ۶۰/۲/۷ گفت: "برای اینکه نرخ تورم ثابت بماند باید قیمت ها تثبیت شود. نا بتوانیم دستمزدها را ثابت نگهداریم. اگر قیمت ها را ثابت کنیم، مزدها ثابت خواهد ماند". آقای نبوی اینجا آشکارا اعلام کرده است که بورژوازی چه می خواهد. آقای نبوی خوب می داند که یکی از قیمت هائی که باید ثابت نگه داشته شود، قیمت نیروی کار است.

کارگران شما به رژیم و به آقای نبوی و تمامی مدافعان شان پاسخ بدهید که: دستمزد، قیمت نیروی کار است. تلاش شما سرما به داران در اینست که تمامی هزینه هائی را که به کار تولید می گیرید به کمترین قیمت تمام کنید و کالای تولید شده خود را به قیمت هر چه بیشتر بفروشید. این شرط حفظ بقای شما در بازار سرما به داری است. این شرط بقای خود شماست. شما برای خرید هر آنچه که بکار تولید می گیرید، با همپالکی های خودتان، با طبقه خودتان، با بورژوازی در بازار طرف هستید. بجز خرید نیروی کار ما! پتان براین تمامی

کارگر پیروزست! سرما به نابودست!

بقیه از صفحه ۱۳ اعتبار...

و تعقیب نمایندگان، رهبران انقلابیان طوکیرید! بی شک می‌توانید! شما اینرا بارها ثابت کرده‌اید.

می‌گوئید: بارها تجربه شکست هنوز نتوانسته است تصویر روشنی از پیروزی برایمان ترسیم کند. هنوز غرده حسابها در درون خودمان تمهیه نکرده‌ایم. هنوز کاملاً متحد نشده‌ایم. هنوز...

شما همه اینها را می‌توانید بگوئید؛ اما اگر به آنها آگاهی دارید خود می‌باید از اولین کسانی باشید که برای از پیش پا برداشتن شان تلاش کنید. نباید خود را ماده لوحانه تبرئه کرد. درسهای مبارزه بسیار عظیم است.

کارگران!

اگر هم اکنون ما برای زنده ماندن خود، برای ادامه دستمزدهای منگیم اینرا باید به مثابه سنگری برای حرکت‌های آینده بدانیم. پیروزی نهایی برایمان روشن است. سوسیالیسم، رهائی بشریت از ستم، فساد، محرومیت، نمایرات طبقاتی. ما برای سوسیالیسم می‌جنگیم. این عالی‌ترین هدف ماست. این رسالت تاریخی کارگران است. این آن تصویر روشنی است که باید بخاطر بسیاریم.

باید بدانیم که عقب‌راستن بورژوازی در سنگسار پارس الکتریک برای این ۲ خواست می‌تواند ما را برای نبردهای آتی برای پیشروی‌های آتی یاری دهد. این مبارزه برای چندمین بار به ما یاد آوری می‌کند که می‌باید متحد باشیم. می‌باید علم مبارزه را بسیاریم. می‌باید تشکیلات خود را بوجود آوریم. پیگیری در مبارزه را از یاد نبریم و... درسه بسیار است. اینها را کمونیستها همیشه نه تنها در کارخانه کوچک پارس الکتریک بلکه برای پیروزی انقلاب، برای پیروزی کارگران ایران، برای اتحاد جهانی کارگران، برای پیروزی سوسیالیسم تکرار و تکرار کرده‌اند.

اعتبار خود را برای این ۲ خواست کوچک ندانید. شما عمل بزرگی را انجام داده‌اید. اشتباهات و ضعف‌ها پستان نیز اگر بود - که بود - بزرگ است.

پایداری را از یاد نبرید. زیرا که امروز مبارزه برای "شان" در عین آنکه برای ما حیاتی است در عین آنکه مبارزه مرگ و زندگی است، آزمونی تعیین‌کننده نیز هست. آزمون آمادگی برای به پیروزی رساندن انقلاب به راستی اعتبار مدرسه انقلاب است.

پروتوان با دمسازره کارگران برای "شان"، آزادی، "جمهوری انقلابی" محمد

بقیه از صفحه ۶ اخراج در...

کارگران، برای تشدید استثمار آنان و پائین آوردن سطح معیشت طبقه کارگر.

این عامل نیز از همین زاویه یعنی از زاویه ضعف‌های برنامگی پیشروان طبقه - هرچند در ابعاد وسیعتر - با عامل اول پیوند می‌یابد. اگرچه در این مبارزه معین‌ایمن واقعیت در عدم حمایت شورا و کارگران پیشرو از شکل و مبارزه کارگران بیکار و عوارض این امر در مبارزه بعدی کارگران بطور مشخص‌تر به برجسته‌تری نیز تاکید می‌گردیم. سخن آخر اینکه این مبارزه نیز بکار این وظیفه را در مقابل کمونیستها قرار می‌دهد که دلائل عدم توجه سرخورد غیر مسئله خود به مبارزه علیه بیگاری یعنی عرصه‌ای تا بدین حد مهم در مبارزه کارگران رابه آنان توضیح دهند.

"مسعود"



یک توضیح در رابطه با اخراج کارگران بوهلیسن سازمان بیکار تشکیلات گیلان در تاریخ ۶۰/۲/۱ طی اعلامیه - ای به کارگران اخراجی رهنمود می‌دهد که "کمیته دفاع از کارگران اخراجی را تشکیل دهیم". و آنگونه که از متن اعلامیه بر می‌آید این کمیته‌ای است متشکل از کارگران پیشرو و آگاه اخراجی! که کارگران اخراجی را متحد کرده و تشکیلات خاصی را متشکل از آگاهترین، پیشروترین و مبارزترین کارگران اخراجی بوجود می‌آورد.

شما خواهید پرسید! عجیب است، چرا تنها کارگران اخراجی؟! آهش پیشروترین و مبارزترین شان نشانه نامشان؟! تازه چرا تشکیلات اخراجیها؟! نباید زیاد تمجب کنید! اینهم یک چشمه دیگر از

رهنمودهایی است که به جز تفرقه در صفوف کارگران ره به جایی نمی‌برد. اصلاحکار نه کارگران کارخانه‌ها می‌توانند راجع به اخراج کارگران کارخانه شان تصمیم بگیرند و نه اصلاحیها به این موضوع اشاره کرد. اصلاحکار - اخراج در کارخانه در کنار با درست‌تر بیخ گوش کارگران شاغل اتفاق نمی‌افتد با اصلاحیها، مسئله بیگاری نیست.

اگر این اعلامیه رهنمود به نمایندگان اخراجی اپوزیسیون در مجلس بورژوازی بود می‌توانست باری از اتحاد و وحدت داشته باشد.

در ادامه، اعلامیه وظایف کمیته دفاع را روشن می‌کند. راستی ببینیم این چه نوع "کمیته اخراجیها" است که از یکطرف قرار بود کارگران اخراجی را متشکل کند و از طرف دیگر در وظایف شرکت دادن کارگران شاغل (آنها که دیگر اخراجی نیستند؟! در کمیته را منظور می‌کند. ۶ بند وظایفی که اعلامیه می‌شمارد، در خود به جز رهنمود به کارگران اخراجی برای تماس با کارگران شاغل مورد مشقت و تعیین‌کننده دیگری ندارد.

براستی آیا سازمان بیکار (تشکیلات گیلان) نمی‌داند که کارگران خود می‌باید در مجمع عمومیشان در مسورد اخراج تصمیم گیری کنند و همچنین کارگران شاغل و بیکار مبارزه‌ای مشترک را بر علیه اخراج، بر علیه بیگاری به پیش برند.

باید در اینجا تاکید کنیم که سازمان بیکار اگر هنوز فرصت پاسخ به سوالات کمیته ایجاد را پیدا نکرده، لااقل تکلیف خود را با مبارزه کارگران بر علیه بیگاری، با مبارزه کارگران بر علیه اخراج روشن کند.

"مسعود"

# اخبار مبارزات کارگران

## کلوله پاسداران سرمایه بر سینه کارگران بیکار سنج

### اعتراض مردم و دانش آموزان انقلابی

### سنندج به کشتار کارگران

۶۰/۲/۵ - از چندین پیش، عده‌ای از کارگران بیکار سنندج به منظور کارمایی به جهاد سازندگی این شهر مراجعه می‌کردند. سرانجام در تاریخ ۶۰/۲/۵ عده کثیری از کارگران - بدعوت جهاد - در محل ساختمان جهاد سازندگی واقع در خیابان ۲۵ شهریور سابق (محل شیخان) حاضر می‌شوند. جهاد تعداد کمی از آنها را استخدام می‌کند. اکثریت کارگران که همچنان بیکار مانده بودند دست به اعتراض می‌زنند. مسئولین جهاد در جواب اعتراض کارگران می‌گویند: "ما به شرطی به شما کار نمی‌دهیم که علیه گروههای مدافع انقلاب شعار بدهید و تظاهرات کنید". کارگران که ماهیت مزدوران رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی را می‌شناختند و به حفظ مبارزه سازمانهای انقلابی پی برده بودند، پاسخ مسئولین را با شعارهایی نظیر "بزی همزی کومهله - زه حمله نکیتی له گله" (زنده بساد کومهله - که زحمتکشان همراهانند) می‌دهند. مزدوران جهاد سازندگی که از روحیه انقلابی کارگران به وحشت میافتند، سپاه پاسداران را مطلع می‌سازند. پاسداران سرمایه‌دار و کارگران را وحشانه به رگبار می‌پندهند. در این جریان چند نفر از کارگران شهید و عده‌ای زخمی گردیدند. یکی از شهدا، کارگری ۸۰ ساله بود.

رژیم در حالیکه ابتدائی ترین خواست کارگران را با کلوله و آتش پاسخ می‌دهد و در سرکوب مبارزات کارگری از هیچ وسیله و روشی دریغ نمی‌ورزد، عوامفریبانه جشن اول ماه مه را برگزار می‌کند، کارگران شهید نتوانستند زنده بمانند تا در اول ماه مه قلمشان همراه و هماهنگ با قلب کارگران جهان بطنه، لیکن طبقه کارگر ایران به انقلاب ادامه خواهد داد و سرنیزه دشمنان طبقاتی خود را بر سینه آنان فرود خواهد آورد.

۶۰/۲/۷ - بمناسبت اعتراض به حمله وحشانه پاسداران به کارگران بیکار سنندج و شهادت عده‌ای از آنان، تظاهرات پراکنده‌ای در نقاط مختلف شهر روی داد. در دبیرستان شاپور سابق، دانش آموزان مدت دو ساعت به عنوان سرود و دادن شعار پرداختند. در خیابان چهارباغ و "تپه اولیا بیگ" مردم به تظاهرات پرداختند. در تپه "اولیا بیگ" مردم مبارز سرکوبه‌ها را گرفتند و نمودند و نمی‌گذاشتند پاسداران وارد کوچه‌ها شوند. پاسداران وحشترده به هرسو شیراندازی می‌کردند. مردم با دادن شعارهای انقلابی نفرت و انزجار خود را از رژیم

حاکم ابراز می‌داشتند.

(به نقد از خبرنگار کومهله - شماره ۱۲۴)

\* \* \*

## حمایت از مبارزه کارگران بندر خمینی بک وظیفه

### کارگری و انقلابی!

تا قبل از قیام استعمار کارگران بندر خمینی بواسطه پیمانکاران صورت می‌گرفت. پس از قیام کارگران که برای کوتاه کردن دست پیمانکاران مبارزه می‌کردند، خود را بجای آنان با کمیته تعاونی اسلامی روبرو دیدند که همان استعمار پیمانکاران را و حتی شدیدتر از پیش، در لباس اسلامی و در حمایت رژیم و پاسداران آن انعام می‌دهد.

در اوایل اردیبهشت و بدسال کشته شدن یکی از کارگران بر اثر بی توجهی کارفرمایان و عدم تعویض بموقع وسائل کار، مبارزه کارگران بر علیه کارفرمایان جدید، ایجاد گسترده‌تری پیدا می‌کند. کارگران خواسته‌های خود را در مورد افزایش دستمزد و ایمنی کار و ... تنظیم کرده و به کارفرما ارائه کردند و برای احضار خواسته‌های خود نسبت به راهپیمایی زدند. راهپیمایی کارگران مورد تهاجم پاسداران ستم و سرمایه قرار گرفته و پاسداران با رگبار مسلسل و پرتاب بارهک بیش از ۸ تن از کارگران را بشدت زخمی کرده و بیش از ۲۲ نفر را دستگیر می‌کنند.

کارگران به مبارزه ادامه می‌دهند و در طی تظاهراتی همراه با خانواده و فرزندان، خواستار آزادی و قیام خود و برآوردن خواسته‌های خود می‌شوند. کارگران در طی این تظاهرات شعار می‌دادند: "کارگر زندانی از زندان ارتجاع آزاد باید گردد"، "این است آزادی ما، کلوله بر سینه ما"، "پاسدار، پاسدار، حامی سرمایه‌دار".

مزدوران رژیم برای مقابله با این حرکت انقلابی و افتخارانه کارگران، شبانه به خانه‌های آنان حمله برده و بیش از ۵۰ کارگر مبارز را دستگیر می‌کنند.

بیدادگاههای مدافعان رژیم تاکنون ۳ تن از کارگران را به حبس محکوم کرده‌اند و بقیه کارگران کماکان در اسارت رژیم بسر می‌برند و احتمال آن می‌رود که رژیم برای ارجاع کارگران و سرکوب مبارزه آنان، چندتن از کارگران اسیر را اعدام کند.

### کارگران انقلابی!

جان کارگران اسیر بندر خمینی در خطر است. با انتشار هرچه وسیعتر مبارزه کارگران بندر خمینی و افشای جنایات رژیم، از این مبارزه و از جان کارگران اسیر حمایت کنید. \* \* \*

## دستگیری، محاکمه و محکومیت کارکنان جنگزده

### صنعت نفت محکوم است!

جمهوری اسلامی، حامی سرمایه‌دار، دشمن زحمتکشان، دشمن انقلاب است!

### چند کلمه با کارگران شاغل

دوستان کارگر! بسیاری از شما با نظرات کمیته ایجاد در باره بیکاری و سرورت اتحاد کارگران ناغل و بیکار موافقت می کنید. ما مکرراً و بخصوص در شماره قبل از شما خواسته ایم که فعالانه در پیشبرد مبارزه کارگران بیکار بر علیه بیکاری که مسأله کل طبقه است بکوشید. و بسیاری از شما نیز بدعوت ما پاسخ مثبت داده اید و در این راه تلاش می کنید اکنون ما از شما می خواهیم که در این رابطه نکاتی را مدنظر داشته باشید.

همانطور که بارها گفته ایم مبارزه علیه بیکاری وظیفه کلیه کارگران است. از ناغل و بیکار است. بنابراین نباید تصور کنید که تنها پس از اتمام کار روزانه در کارخانه و تنها در خیابان می توانید مبلغ اتحاد کارگری علیه بیکاری بیابید.

کارخانه محل تجمع کارگران است و میدانی است که کارگران بیکار به آن راهی ندارند در اینجا تمام وظیفه فراخواندن کارگران ناغل بمنظور اتحاد علیه بیکاری عملاً بدون تک تک شما خواهد بود.

تسلیم در کارخانه و کارگاه برای فراخواندن کارگران ناغل به مبارزه علیه بیکاری کاری است که باید بیگانه و بی وقعه دنبال شود.

آنچه باید در نشیفات خود در کارخانه در نظر بگیرید اینست که همکاران خود را قبل از اینکه به هواداران اتحاد کارگری علیه بیکاری تبدیل کنید نمی توانید به حرکت عظیمی در جهت پشتیبانی از بیکاران وادارید پس اولین هدف مقطعی شما در نشیفات فابریک باید جلب پشتیبانی عمومی کارگران از مبارزه کارگران بیکار بر علیه بیکاری باشد.

اما بهر حال موفقیت شما خاص مادی خواهد داشت. تلاش کنید تا در کارخانه همکاران خود را سه طرفداران پروپاقرص اتحاد کارگری علیه بیکاری تبدیل کنید و سعی کنید تا کارگران کارخانه شما اولین همکاران کارگران ناغلی باشند که از طرف خود یا شورای کارخانه خود و با شکل فابریک خود علناً و رسماً از مبارزات حق طلبانه کارگران بر علیه بیکاری پشتیبانی می کنند. باید در نشیفات شفاهی و کتبی خود کاری کنید که کارگران اینجسین در مقابل مسائل طبقه و مسائل متخمی چون کشتار کارگران بیکار در سمدج بی معارفت باشند. حتماً مسأله کشته شدن کارگران بیکار در سمدج باید بیشتر از افزایش دستمزد و امتیازات دهن کارگر انقلابی ایران را بخود مشغول دارد.

اگر شما نتوانید کاری کنید که مثلاً شورای کارخانه - تا آن رسماً از مبارزه کارگران بیکار پشتیبانی کند آنگاه روشن خواهد شد که اقدامات شما چه کمک موفری نتوانسته است به پیشبرد مبارزات شما بکند. به امید آرزو

**کارگران شاغل! کارگران بیکار!  
اتحاد، اتحاد، بر علیه بیکاری!**

اخیراً رژیم جمهوری اسلامی چهار نفر از کارکنان جنگ زده صنعت نفت در ماهشهر را که دوتن از آنان نماینده جنگ زدگان بودند دستگیر نموده و پس از محاکمه در تاریخ ۶۰/۲/۱۶، آنان را بجرم "اخلالگری" به حبس های طویل المدت ۱۰ سال و ابد محکوم کرده است. رژیم همچنین با "افتخار" خبر این محاکمه و محکومیت را از رادیو آبادان اعلام نموده است.

#### کارگران انقلابی!

با افتشای این اقدام بیشرمانه رژیم جمهوری اسلامی در بین کارگران و محکوم نمودن آن، عوامفریبیهای رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در مورد حمایت از جنگ زدگان را افشا کرده و از مبارزه کارکنان جنگ زده صنعت نفت حمایت کنید.

### مبارزه کارگران صنایع فولاد اهواز بر علیه

#### اخراج و بیکاری!

از مدتها قبل رژیم جمهوری اسلامی قصد تعطیل مجتمع صنایع فولاد اهواز و اخراج کارکنان آن را دارد، اما تاکنون در اجرای این قصد خود موفق نشده است.

از قبل از عید و بدینال سفر احمدزاده سرپرست صنایع فولاد، توطئه اخراج کارگران بطور پیگیرتری از طرف رژیم دنبال شد. عوامل رژیم ابتدا قصد داشتند تا با استفاده از تعطیلات نوروزی، تصمیم خود در مورد تعطیل دائم کارخانه را به اجرا بگذارند و چون بدلیل فشار و مقاومت کارگران موفق نشدند، اعلام کردند که می خواهند مجتمع را برای تهیه طرح راه اندازی آن برای مدتی تعطیل کنند. کارگران اینبار نیز فریب نخوردند و با مبارزه خود، رژیم را در اجرای نقشه اش تا کام گذاشتند.

در روز ۱۵ اردیبهشت موسویانی، رئیس مزدور مجتمع اعلام می کند که به کارگران ذوب تا پایان جنگ فقط قسمتی از حقوق آنان پرداخت می شود. و کارگاه خانسی ساری مانا هم از اول خرداد بصورت تعاونی اداره می گردد. همزمان با اعلام این توطئه در "سی اف مانا" بوسیله ابادی مزدور خود بمبسی متعجر می کند تا با ارباب کارگران و حاکم کردن جوخفقان، کارگران را از ادامه مبارزه منصرف کرده و مبارزه آنان را سرکوب نماید.

کارگران ذوب اِختمکین از توطئه های رژیم و مزدوران آن، در جلو دفتر موسویانی جمع می شوند. موسویانی در پناه شلیک های پیاپی پاسداران خود موفق به فرار می شود. کارگران با شعار "مرگ بر آمریکا - مرگ بر ارتجاع" بسمت عده دیگری از پاسداران که در مجتمع باقی مانده بودند، حمله ور شده و آنان را نیز وادار به فرار می نمایند.

رژیم با همکاری انجمن اسلامی و سایر ابادی خود، به توطئه چینی بر علیه کارگران و مبارزه آنان ادامه می دهد و مبارزه کارگران بر علیه تعطیلی مجتمع و اخراج و بیکاری ادامه دارد.

(با استفاده از اعلامیه ها و نشریات سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر)



## سکوت معنی دار "کار"

مقدمه ای کوتاه :

از خیابان میگذشتم ، صدای فروشنده نثریه "کار" را شنیدم که فریاد میزد : "بیگاری و جنگ را در این شماره کار بخوانید" . مقاله ای با همین عنوان در صفحه اول نثریه به چشم می خورد . این فکر به سرعت به مغز رسید که اینبار دیگر همچون گذشته نیست ، مقاله ای در صفحه اول نثریه و با طرح منحن مسئله بیگاری بسه شیوه مرسوم در جنبش کمونیستی ، حتما فشرده نقطه نظر-ات "فداشیان خلق" در مورد بیگاری و مبارزه با آن را با خود دارد .

نثریه را خریدم و در حین راه رفتن سعی کردم خطوط کلی برخورد های "کار" را بخاطر آورم . پس از انتشار بد در سازمان چریک های فدائی خلق ، در نثریه "کار" ( ارگان اقلیت ) به فراوان شاهد طرح ؟! مسئله بیگاری بودیم ، در هر گوشه ای از مقالات که صحبتی از بحران ، رشد فقر و فلاکت کارگران ، رشد مبارزه انقلابی ، اخراج ، اتحاد عمل و ... بود می توانستیم نشانی هم از طرح مسئله بیگاری به عنوان "درد همیشگی نظام" بیابیم ، اما هیچگاه در نثریه پاسخ به این سوال را که حالا کارگران در مقابله با این "درد" چه میکنند ، نمی یافتیم .

بنظرم رسید که اکنون در شرایط تشدید بیگاری بوسیله جنگ همانطور که "مقاله" خود می خواهد در باره آن صحبت کند ، "کار" ملزم است تا راه حلی را که کارگران ، کمونیستها و انقلابیون را بدان فرامی خواند ، ارائه دهد . میگویم "ملزم" است ، زیرا در برابر مسئله تمامی کارگران ، در برابر مسئله ای که مبارزه انقلابی کارگران را تهدید می کند ، مسئله مرگ و زندگی صدها هزار کارگر و خانواده ایشان است . در برابر مسئله ای که خود می تواند به عرصه ای نوین برای نبرد با بورژوازی تبدیل شود ، نمی توان بدون فراخواندن کارگران به راه حل انقلابی مقابله با آن ، سکوت کرد و تنها به ذکر خشک و خالی چند نمونه واقعات بسنده نمود .

بنا بر این فداشیان خلق که خود را پیشاهنگ طبقه می دانند ، انقلابی و کمونیست می دانند ، ملزمند که به کارگران بگویند ، "چه باید کرد؟"

با لافزه فرصت رسید و مقاله را خواندم .

### "صحتی به روال معمول"

اگر شما هم مقاله "مسئله بیگاری و جنگ" را در نثریه "کار" شماره ۹۸ بخوانید تصدیق خواهید کرد که "کار" هیچ نکرده است ، بجز "صحتی به روال معمول" ! در مقاله می خوانیم :

"بیگاری درد بی درمان جامعه سرمایه داری است ،

"علت تشدید بیگاری بحران اقتصادی و سیاسی جامعه است" ، آنچه موجبات بیگاری بخش عظیمی از نیروهای فعال جامعه را فراهم کرده است ، علاوه بر علل اقتصادی نظام سرمایه داری ایران ، که به دلیل وابستگی آنرا تشدید نموده است به مسائل خاص دیگری نیز مربوط می شود . از جمله فرار سرمایه داران وابسته ، توقف صنایع ساختمانی ، نظامی ، پروژه های صنعتی ... بحران سیاسی ، سرنگوسی رژیم شاه و ..."

اکنون بیان اینکه ایران سرمایه داری است ، بیگاری درد همیشگی کارگران در این نظام است ، بحران ، بیگاری را تشدید می کند و ... تبدیل به بیانی معمول در سطح جنبش شده است . هر "مقاله ای" که راجع به بیگاری باشد با جملاتی از این قبیل آغاز می شود . اکثریت نثریات انقلابی و کمونیستی حداقل در حرف به این چند عبارت اعتقاد پیدا کرده اند . البته بگذریم از نثریاتی همچون "بیگاران" و "مجاهد" که با عقب ماندگی ذهنی خود را به نمایش می گذارند و با آگاهانه به مبلغین و دستیاران بورژوازی تبدیل شده اند . امروز دیگر بظاهر پیدا کردن اینکه "بیگاری معلول وابستگی است" ، "تشدید بیگاری بعلت سیاست های غلط دولت است" ، "ناسی از ناهایی رژیم است" ، "علت بیگاری وابستگی تکسیک و تولید است" ، "غارت سرمایه داران خارجی است" و ... در نثریات تا حدی مشکل شده است . اگر "کار" دو سال پیش و با حتی یکسال پیش می خواست راجع به بیگاری بنویسد ! بدو عجلت "اقتصاد وابسته" ، "تولید وابسته" "سرمایه داران وابسته" ، "سیاست های غلط رژیم وابسته" را مقرر بیگاری معرفی می کرد . نمی گویم اکنون به هیچوجه از اینها خبری نیست . چون اگر بخواهیم کمی حلوتر برویم و متوجه شویم که خشناب بگذاریم از پس جملات همین مقاله نیز می توانیم سرو کله همه آن ترهاتی را که نثریه "بیگاران" رسماً می گوید ، خجولانه در "کار" هم بیابیم . اما من بسه استدلال کار در سطوح شوریک در اینجا کاری ندارم و جدل بر سر آنها را به نتایجی که کارگران از این استدلال ها خواهند گرفت خلاصه می کنم .

مقاله در بخش دیگر خود ادامه می دهد که : "جنگ بیگاری را تشدید کرده است" و آماری هم از "بیگاران جنگ" ارائه می دهد .

کار در حقیقت هیچ نگفته است بجز تکرار و تکرار واقعات موجود . البته تا آنجائی که واقعات بدترستی ترسیم شوند قدمی به پیش می باشد . اما مقاله در اینکار نیز ناموفق است . و تنها می توان از برشمردن افلاسی از بیگاران به عنوان ترسیم درست واقعت ! در مقاله نام برد . این همان "روال معمول" برای داشتن "مقاله ای" هم در مورد بیگاری" در نثریه است .

کارگر، کارگر، (دشمن ارتجاع است!) مظهر انقلاب است! دشمنی ای کارگر!

دشمن انقلاب است!

و بالاخره مقاله با این جمله به پایان می‌رسد که:

"اینست سیمای بیگاری پس از جنگ، هر چند بیگاری از عوارض دائمی جامعه سرمایه‌داری است. اما هر روز که می‌گذرد کارگران و زحمتکشان در می‌یابند که جنگ بین دولتهای دو کشور حاصلی جز بیگاری، آوارگی و ... نداشته است."

اینهم نتیجه سیاسی مقاله! "کارگران و زحمتکشان هر روز که می‌گذرد در می‌یابند که ... و هر چند نظام سرمایه‌داری عامل بیگاری است اما اکنون جنگ ..."

منی اینجملات چیست؟ مگر اینکه، مدام عامل بیگاری است! و گذشته از این، مقاله در اینجا تلاش آگاهانه کارگران برای تغییر واقعیت موجود (کاری که کمونیستها باید آنرا سازمان دهند و رهبری کنند) تنها با حواله کردن آن به "گذشتن هرروز" و اینکه "کارگران درمی‌یابند که ... از سر خود وا می‌کنند."

باید به فدائیان خلق گفت: هیر کارگری می‌داند که خود چگونه شناخت ظاهری اثر را از واقعیات موجود تفسیر کند. و نه تنها تفسیر کند بلکه آنرا به راه حل رفع آن نیز تعمیم دهد. هیر کارگری می‌داند که بیگاری چه مصیبتی است، جنگ چگونه آنرا تشدید کرده است. و حتی مانند نشربه کار! "فرار سرمایه‌داران وابسته و وضعیت بحرانی اقتصاد سیاست را علل تشدید کننده بیگاری بدانند". این شناخت هر انسان ذی‌شعوری در شرایط کنونی جامعه سرمایه‌داری ایران است.

هر کارگری که مقاله را بخواند، از فدائیان خواهد پرسید: ما که بر اساس گفته شما "درمی‌یابیم" و "تجربه می‌کنیم" ولی شما چه می‌گوئید؟ شما که خود را آگاهان طبقه می‌نامید، راه حل مقابله با بیگاری را چه می‌دانید؟ اگر "درد بی درمان" است باید نگذاریم بروزات این درد، مریض را از پا در آورد؟ اینهمه آمار آورده‌اید که بگوئید ما بیکاریم، اینرا که خودمان بهتر می‌دانیم. شما که خود را حاملین علم شرایط رهاش پرولتاریا می‌دانید، می‌گوئید کارگران چه بکنند؟ دنبال بنی صدر بروند؟ دنبال مکتبی‌ها بروند؟ وابستگی را قطع کنند؟ بگذارند "سرمایه‌داران بزرگ وابسته" فرار کنند؟ رژیم را سرنگون کنند؟ سندیکای بیکاران تشکیل بدهند؟ ظاهرات بکنند؟ به سراغ شما بیایند؟ همتهای رژیم شاه را احیا کنند؟ و ...

کارگران حتی خواهند پرسید: می‌دانیم که مشکل طبقه تنها بدست خود او امکان پذیر است، اما چگونه؟ شما! فدائیان خلق! به این سوال جواب بدهید.

نشربه "گار" به همه این سوال‌ها و امثال آن چه پاسخ روشنی داده است؟ هیچ! مگر همان سخنان دوبهبلیو مسم، سخنانی به "روال معمول".

آیا نشربه کار واقعاً چیزی نگفته است؟

بیایید ببینیم، آیا نشربه کار واقعاً چیزی نمی‌گوید، در مقاله می‌خوانیم:

"وابستگی نظام سرمایه‌داری، بیگاری را تشدید کرده

است."

- "فرار سرمایه‌داران بزرگ وابسته، بر ابعاد بیگاری افزوده است."

- "با سرنگونی رژیم شاه و ایجاد بحران سیاسی بیگاری ابعاد گسترده‌ای یافته است."

- و ...

کارگری که مقاله "بیگاری و جنگ" کار را بخواند چه نتایجی جز این می‌گیرد که:

- اگر "وابستگی" را از بین ببرند! بیگاری تشدید نخواهد شد.

- اگر سرمایه‌داران بزرگ وابسته فرار نمی‌کردند و نکندند! بیگاری به این درجه نمی‌رسد.

- اگر رژیم شاه را سرنگون نمی‌کردیم، بیگاری گسترش نمی‌یافت!

- و ...

با این حساب می‌بینیم که نشربه کار با تبلیغاتش کارگران را از رژیم کنونی ناامید می‌کند و بر حذر می‌دارد، در عمل با سکوت خود در قبال ارائه راه حل‌های پرولتری زمینه را برای پذیرش آلترناتیو سرمایه انحصاری-چپری شبیه رژیم شاه - از طرف کارگران فراهم می‌آورد.

حتماً مدافعین نشربه کار با این استدلال منطقی کارگران، برآشفته خواهند شد: که، نه! ما کارگران را به انقلاب فرا می‌خوانیم، آلترناتیو انقلابی طرح می‌کنیم، ... همینجا است که باید علیه حاکمیت-شعور می‌دهیم و ... همینجا است که باید سیرسیم: چگونه؟ برای تحقق کدام اهداف؟ با بسیج کدام نیرو؟ با چه راه حل عملی؟ و ... شما! کارگران را به انقلاب فرا می‌خوانید؟! آنها هم به خیابانها خواهند ریخت، خون خواهند داد. این مطلوب‌ترین چیزی است که شما می‌خواهید؟! چگونه تضمین خواهید کرد که پرولتاریا حامل این مبارزه را درو نکند. هتبار باشد! که اینبار نه نوبت کودن ترین افشاران، بلکه نوبت بختیارها و اویسی‌ها است.

می‌گوئیم، کارگران حق دارند پس از خواندن مقاله شما با تن به تسلیم، برای بوجود آوردن روشنی دیگر به قیمت فقر بیشتر و استعمار شدیدتر خود بدهند، زنجیرهای بردگی‌شان را محکم تر کنند و با به خیابانها بریزند و شعار شما را بدهند که: "جنگ بیگاری را تشدید کرده است!" "جنگ به نفع ما نیست!" این دومی دستکم انفعال، ضعف و خیانت تسلیم طلبی اولی را با خود ندارد. حرکت انقلابی کارگران است. اما در غیاب آراه حل پرولتری که می‌باید ارائه شود، کارگران پس از چندی شکست‌های پیاپی، پس از چندی "تجرباتی" که کار در مقاله‌اش آنرا بخولانه به کارگران تجویز می‌کند، به انفعال یا به جانبداری از کودتای امپریالیستی کشیده خواهند شد.

به اعتبار وجود "رهنمودهای"! این جنبش-سی نشربه "گار" که می‌خواهد همه علم مبارزه را به درک کارگران که "دارند می‌بینند" تا به "تجربه خودشان" بدهد در صفحه ۴۰

## مبارزه کارگران از زبان کارگران!

و بهیستی قوه سنجیده بوده و ۶ سال نیز سابقه کار داشت و ۳ سال نیز مامای این سازمان بود، بجرم کرد بودن و سنی بودن و عدم تأیید سپاه پاسداران اخراج کرده اند.

رفیق نامه اش را چنین تمام می کند: " اینها را چاپ کنید، از زبان یک کارگر در بدر و گرسنه و به نام خود چون دیگر زندگی برایم ارزش ندارد، جز مبارزه در راه آرمان کارگران. ولی اگر من نگاه کار هستم پس همسر من چه گناهی دارد و جرمش چیست؟"

رفیق کارگر! در نظام سرمایه داری مبارزه علیه نظم سرطانی آنچنان گناهی است که تا چندین پشت و چندین نسل کسی که دست بچنین کاری بزند، از نظر عاملین و حامیان سرمایه مستوجب مجازات می شوند. بخاطر داشته باش که مبارزه در راه آرمان کارگران نه از روی یأس بلکه با پرشورترین و پرشکوهرترین آرزوها و امیدها برای آینده امکان پذیر است. در راهی که قدم نهادای، در مبارزه برای آرمان کارگران، استوار و پرهیز باشی.

راننده مبارزی از اعضای سندیکای رانندگان کامیون وطنی نامه ای چگونه تشکیل این سندیکا و مبارزات رانندگان را شرح داده است. نامه این راننده مبارز چنین شروع می شود: " علیه بیکاری شماره ۸ را مطالعه کردم سعی شود از این به بعد مطلب مختصر و واضح تر تنظیم شود. افرادی که مطالعه ندارند دشواری می توانند مطالب را تجزیه و تحلیل کنند. علی الخصوص کارگران."

من احساس حکیم که حکومت طرفدار مستضعفین نیست و طرفدار پروپا قرص امپریالیسم است. و قاطعانه از سرمایه دار پشتیبانی می کند؛ امید کارگران کشور تبدیل به یأس شده و هر چه زود تر باید آنها را آگاه کرد. من مدت ۲ سال در ارتباط با رانندگان سندیکای خانه کارگر میباشم. بازرسان این سندیکا آقای سیدعطاءالله عظیمی خوانساری یکی از نمایندگان و عضو فعال حزب جمهوری اسلامی است. کامیون دار حقوق بگیر حزب. اعضا این سندیکا از چهار هزار یانصد نفر تجاوز می کند و من صراحتاً می نویسم که تشکیل این سندیکای سه نحوی شروع شد و چه سرنوشتی در انتظار اعضا این خانه می باشد که یکی از آنها من هستم. نامه سپس به شرح چگونگی ماجرا می پردازد: یکسال و نیم پیش از این روزنامه اطلاعات آگهی می کند که به راننده های بیکار، کامیون ها و تریلی های متعلق به شاهپورها و... واگذار می شود. ۱۵۰۰۰ راننده از سراسر کشور مراجعه می کنند و با پرداخت ۸۰ تومان در سندیکا عضو می شوند. اما درست بلافاصله پس از آن همسایه، روزنامه اطلاعات خبر واگذاری کامیون را تکذیب کرد! از پانزده هزار نفر، راننده های شهرستانی که دارای کامیون و یا شافل نبودند پس از مدتی یکی پس از دیگری فرار را بر فرار ترجیح دادند و راهی دیار خود شدند. از پانزده هزار نفر، چهار هزار و پانصد نفر باقی ماندند که به امید گرفتن کامیون و یا پیدا کردن کار مرتباً حق

رفقا و هواداران کارگر " علیه بیکاری"، گزارشاتی از زندگی و مبارزه خود و یا سایر کارگران برای ما ارسال کرده اند که متأسفانه بدلیل محدودیت صفحات نشریه قادر به درج همه این گزارشات بطور کامل نیستیم. بنابراین با آرزوی اینکه بزودی با گسترش امکانات و گامستن از فواصل انتشار نشریه، بتوانیم گزارشات رفقای کارگر خود را بطور کامل در نشریه چاپ کنیم، برای این شماره برخی از این گزارشات را خلاصه کرده و درج می کنیم:

یکی از رفقای کارگر اخراجی سازمان آب طی نامه ای گزارش مبارزه و اخراج خود را برای ما فرستاده است. نامه رفیق کارگر با این جملات شروع می شود: " سلام بر کارگران و رفقای که در راه آرمان کارگران مبارزه می کنند. باید خدمتان عرض کنم که در سال ۱۳۶۲ از کار اخراج شدم فقط به این علت که روز ۲۸/۱۲/۵۹ از قسمت خود که کارگاه یافت آباد بود به اداره مرکزی سازمان آب ارتقیم برای گرفتن حقوق و عیدی. اما آنها به ما فقط یک ماه حقوق خود مان را پرداخت کردند و گفتند از عیدی خبری نیست." رفیق سپس می نویسد که وی کارگران را به مبارزه برای گرفتن عیدی تشویق کرده است و کارگران او ویکی دیگر از دوستانش را به نمایندگی از طرف خود انتخاب کردند تا با مدیر عامل مذاکره کنند. نمایندگان کارگران به نزد مدیر عامل رفته و پس از برخورد های مفصل و انشازگویی های مداوم که رفیق شرح کامل آنها را نوشته است و پس از آنکه کارگران توطئه مدیر عامل برای سرد و انهدار کردن کارگران و حواله دادن آنان به پس از عید را افشا و در مقابل آن مقاومت میکنند، با نگهداشتن حسابدار و رئیس امور مالی، عیدی خود را دریافت می کنند. پس از آن، رفیق درگیری خود را با یکی از مهندسان طرد کارگر شرکت بنام بهرام حسینی را که بکارگران توهین کرده بود شرح داده است. در انتها مهندس مزبور اعلام می کند که مدیر عامل دستور اخراج دو نفر نماینده کارگران را داده است. هنگامی که رفیق مساله شکایت را طرح می کند، مهندس مزبور پاسخ میدهد: " اگر بیادت باشد چند ماه پیش که همه شما و خود سازمان اعتصاب کردید وقتی روزنامه ها نوشت و شما نامه ای از رئیس جمهور آوردید، هیچ کاری نتوانستید بکنید و مدیر عامل نامه رئیس جمهور را رد کرد. الان تو یک نفر با شکایت کردن می خواهی چکار بکنی. این مدیر عامل نسبتی با بهشتی و آیت الله کاشانی دارد پس بهتر است که مزایا را بگیری و بروی بی کارت. من ۷ سال سابقه کار داشتم که ۴ سال را به حساب پیمانکار گذارند و پیمانکار هم دیگر نبود و سال گذشته رفته بود و ۳ سال از قرار سالی یک ماه به من مزایا دادند و اخراج کردند."

رفیق پس از شرح مختصری در مورد مبارزات خود برای استخدام رسمی کارگران فصلی و پیمانی سازمان آب و اینکه چگونه از چند صد کارگر تنها ۲۵ نفر را استخدام کرده اند و هر روز تعدادی را به بهانه های مختلف اخراج می کنند؛ اضافه می کند که چندی قبل نیز همسر او را که کارمند بهداشتی

هزینه معاش، کارگران بیکار، از جیب سرمایه دار، پرداخت باید کرد!

عضویت سندیکا را می برداختند . چون مدیران سندیکا کسه وابسته به حزب جمهوری بودند، علیرغم گرفتن پول از رانندگان کاری برای آنان صورت نمی دادند ، آنان تصمیم گرفتند کسه خودشان بدون حضور مدیران سندیکا ، جلو کاخ رئیس جمهر متحصن شوند . این کار را می کنند و با بنی صدر مذاکره می کنند . بنی صدر با حضور موسی کلانتری ( وزیر راه ) به آنان قول می دهد که آنان کامیونها را شناسایی کنند تا ترتیب واگذاری آنها داده شود . رانندگان ، کامیونها را در دهات کمال آباد کرج ، جاده ساوه و ... شناسایی می کنند و به نماینده کلانتری اطلاع می دهند . مقامات حزب جمهوری اسلامی در طی یک سفرانی به رانندگان گفتند که به ترتیب نام نویسی ماشین ها را بهین آنها تقسیم خواهند کرد . بروند پول ضامن پیدا کنند . رانندگان هرچه دار و ندار داشتند فروختند و پرونده را تهیه کردند و ۲۰ هزار تومان بحساب ۱۶۰ بانک صادرات واریز کردند و قرار شد که کامیونها از طریق تعاضی وزارت راه در اختیار آنان قرار گیرد .

تا اینجا رانندگان بطور کاملاً متحد عمل می کردند . مقامات حزب و رژیم جمهوری اسلامی برای تفرقه انداختن بین کارگران اعلام کردند که کامیونها را در سه دسته ۵۰۰ نفری تحصیل خواهند داد . سپس به دسته اول گفتند که دسته دوم مانع واگذاری کامیون به آنهاست و به دسته دوم گفتند کسه دسته سوم مانع است و الی آخر و باین ترتیب بین رانندگان تفرقه و درگیری ایجاد کردند . سپس یکروز آنها را به وزارت کشور دعوت کردند . در جلو وزارت کشور چماق بدستان و زردستان ستاد امنیت وزارت کشور رانندگان را محاصره کردند و آنان را بداخل یک زیرزمین بردند . باقی قضایا را از قلم دوست راننده مان بشنوید :

" قاضی شرع آمد؛ میدانید بما گفت چه ؟ گفت پدر سوخته های آمریکایی کمونیست شماها چه ماشینی از دولت می خواهید حساب شما را مسدود کردم و درست می گفت حساب ۱۶۰ را مسدود کردند یک مشت درویشی بما گفت و برایمان خط و نشان کشید که اگر کوچکترین عکس العملی از خودتان نشان دهید همگی شما را مثل ... سقط کنند . این شد دو سال و نیم و در بدری ماهانه تنها برای ما کاری انجام ندادند یک اختلاف صمی بین خودمان بوجود آوردند و خودمان را بخون هم تشنه کردند اینک مدیران ما زیر پوشش حزب جمهوری و خودمان سرگردان ، با برجست کمونیست سرگردان هستیم بالاخره از هستی هم ساقط شده ایم و نفرمان هم یکی بنام سید جلالی و یک نفر دیگر که وضع را چنین دیدند و مردند و زن و بچه شان بی سرپرست شدند ، چه کار باید کرد ؟"

دو بیت عزیز: همانطور که خودت هم نوشته ای این کلاهبرداری و قبحخانه و بی شرمانه با نظارت همه مقامات جمهوری اسلامی انجام شده است . تا وقتی که نظام سرمایه داری و رژیم حامی و عامل آن برپا باشد ، اوضاع غیر از این نخواهد بود . و بیش از ۲۰۰ سال تجربه کارگران جهان پاسخ سوائی را که تو مطرح کرده ای روشن کرده است: کارگران برای بهبود زندگی خود ، برای مبارزه علیه استثمار و سرمایه داری تنها می توانند به آگاهی ، اتحاد ، تشکلی و مبارزه خود تکیه کنند و نه به هیچ چیز دیگر . پیروز باشی .

رفیق کارگری مصاحبه ای با یکی از کارگران شرکت " فور کاو" قزوین انجام داده و گزارشی در مورد اخراج کارگران این شرکت تهیه کرده و برای ما فرستاده است . رفیق در

ابتدای ماهش می نویسد : باز هم جنایت ، جنایت بد رژیم انقلابی و حامی مستضعفین باز هم اخراج کارگران ، آنهم دستجمعی به توسط وزارت کار قزوین ، این عاملین جنایتنا این جانمایی که لباس بره بتن دارند حکم اخراج ۲۰۰ کارگر شرکت فور کاو را صادر میکنند .

قضیه از این قرار است که کارفرمای شرکت فور کساو ، کارگران این شرکت را که بین ۱ تا ۳ سال سابقه کار دارند به بهانه انتقال شرکت به شهرستان اخراج می کند . کارگران بدنبال کار روان می شوند اما موفق نمی شوند کار پیدا کنند . پس از مدتی کارگران خیر می شوند که شرکت فور کاو ، کارگران را اخراج کرده است تا بتواند کارگر روزمزد استخدام کند . کارگران یکدیگر را مطلع کرده و در جلوی شرکت اعتصاب می کنند . کارگران مدرکی داشتند که کارفرما در آن تمسید کرده بود که بجز این کارگران ، کارگر دیگری استخدام نکند . رفیق گزارشگر نتیجه مبارزه کارگران را از قول یکی از آنان چنین می گوید : " از وزارت کار آمدند بما گفتند چرا درب شرکت را بستید مگر شما دادستان هستید یا دولت کار شما فیرقانونی هست و با تهدید به زندان و حتی اعدام ، کارگران یکی یکی سر خود را پایین انداختند و به منزل های خهیش رفتند . رفیق کارگر گزارش را چنین پایان می دهد : " و حال شما کارگران این اعمال جنایتکاران را چه جوری توصیف می کنید! قضاوت را بمعبده شما می گذارم ."

رفقا ! همزمان با  
دستان شما را صیقل می فرایم و در انتظار گزارشهای  
بمدی شما و همه رفقا و هواداران خود هستیم . به یوز باشید!

بقیه از صفحه ۱۸

سکوت معنی دار کار

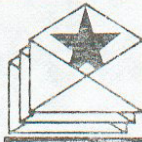
حواله کند ، کارگران از تمامی رهبران واقعی جنبش کارگری و از کمونیسم خواهند برید . این نتیجه طبیعی طوره رفتن نشریه " کار" از ارائه راه حل است .

" سکوت کار معنی دارد"

" کار" هنگامی سکوت می کند ، هنگامی در مبارزه چگونگی مبارزه علیه بیگاری لب نمی کشد ، که ما داریم صدها نسخه از نشریات خود را بدست کارگران می رسانیم . " کار" هنگامی سکوت می کند ، که ما در مقابل ، کارگران و کمونیستها را به یک راه حل مشخص فراموش می کنیم . هنگامی که کارگران چیزی نمی گویند ، که ما داریم کلسوی خودمان را برای ایجاد اتحاد کارگری علیه بیگاری پاره می کنیم .

در این شرایط سکوت کار ، معنی دارد !

سکوت یعنی بی اعتنائی به جنبش کارگری و مسائل آن ، یعنی تضعیف حرکت رو به رشد آگاهانه کارگران . یعنی پا در هوا نگه داشتن کارگران هوادار نشریه کار در مقابل راه حل مشخصی که ارائه می شود ، یعنی دانشن مقاله ای در نشریه به قیمت بی اعتنائی نسبت به انحرافات ، نقاط ضعف و با قوت جنبش کارگری در این عرصه . یعنی چشم فرو بستن در برابر مسائل مبهم طبقه ، یعنی زیست بقیه در صفحه ۲۲



## پاسخ به نامه‌ها

در این شماره، بعثت تراکم مطالب و هم چنین دریافت چند نامه از کارگران، ترجیح دادیم حجم صفحه پاسخ به نامه‌ها را کاهش دهیم، تا جابرای سایر مطالب باز شود. در این شماره تنها به نامه رفیق رضا جواب می‌گوئیم و به رفقا و دوستان کمیته ایجاد قول می‌دهیم تا به نامه‌هایشان در شماره‌های آتی پاسخ گوئیم.

رفیق رضا در نامه ۶۰/۱/۲۶ خود، برخی "ابهاماتی" که برای خوانندگان "علیه بیکاری" وجود دارد را طرح می‌کند و از "کمیته ایجاد" می‌خواهد تا در نشریه‌اش به آسان پاسخ دهد. قبل از هر چیز ما از رفیق رضا می‌پرسیم آیا این ابهامات برای خود شما نیز مطرح اند؟ اگر چنین نیست، اولین کسی که در برابر سوال کنندگان موظف به رفع ابهام و پاسخگویی است، خود شما باید! ما در ۱۰ سوال رفیق ۸ "سوال و ابهام" را یافتیم که تماماً در سرفاللات و دیگر مقالات علیه بیکاری به تفصیل راجع به آنان بحث کرده بودیم. ما دقیقاً در موقع نوشتن آن مقالات به سبب اینکه می‌دانستیم این سوالات تنها برای خوانندگان طرح می‌شوند، مفضلانه طرح و پاسخگویی آنان اقدام کردیم. و امروز اگر قرار است ابهامی برای خواننده علیه بیکاری وجود داشته باشد، متوجه پاسخ‌هایی است که ما به آن سوالات اولیه داده‌ایم. به عبارت دیگر سوال و ابهام جدید تنها بر مناسای جواب ما به مجموعه‌ای از سوالات سابقه‌ای (در شماره‌های پیشین "علیه بیکاری") می‌تواند طرح شود.

سوالاتی از قبیل: "آیا کمیته ایجاد بیکاری را مسئله مردم کارگران می‌داند یا یکی از مسائل طبقه؟ آیا تشکیل "اتحاد کارگری علیه بیکاری" ذهنی و دوران واقعبیت نیست؟ مبارزه علیه بیکاری آلترناتیو مبارزه علیه سرمایه‌داری است؟ و اگر بتوان کارگران ناغل و بیکار را بر علیه بیکاری متحد ساخت، چرا نباید از این قدرت برای سرنگونی رژیم بورژوازی استفاده کرد؟ و پس تشکیل "اتحاد کارگری علیه بیکاری" تشکیلاتی رفرمیستی است؟! و غیره، قبلاً در این نشریه به تفصیل و روشنی پاسخ داده شده‌اند. اگر این سوالات مجدداً طرح می‌شوند این تنها از کم کاری سوال کننده ناشی می‌شود. به هرحال بسراغ دو سوال رفیق می‌رویم.

سوال ۱: "امروز مسائلی که در سطح جامعه مطرح است مسائل سیاسی است و نه اقتصادی. علیه بیکاری ذهن کارگران را از پرداختن به مبارزه سیاسی منحرف کرده و بجای آن به مبارزه اقتصادی معطوف می‌آزاد؟"

کمیونست‌ها معتقدند که مبارزه طبقاتی به وجه دارد؛ اقتصادی - سیاسی و شوریک. اینرا با رها ساز زبان کمیونست‌ها شنیده‌اید. پرداختن به این سه وجه همواره وظیفه کمیونست‌هاست. این درست که مسائل سیاسی امروز در ایجاد وسیعی مطرح است (و این یکی

از دستاوردهای انقلاب ایران بوده)، اما مبارزه بر سر مسائل اقتصادی نیز همواره جای ویژه خود را دارد. ما از شما می‌پرسیم آیا تبلیغ مهم تراست یا سازماندهی؟! یا اگر بخواهیم مثال ساده‌تری بزنیم، تخفیف مهم تر است یا استراحت؟ پرداختن به مسائل اقتصادی طبقه کارگر از آنرو حیاتی است تا راهگشای مبارزه سیاسی او گردد. بر سر یک مبارزه سیاسی - طبقاتی وسیع آشکارا مواضع اقتصادی وجود دارد. در ثانی ما مبارزه علیه بیکاری را یک مبارزه صرفاً اقتصادی نمی‌بینیم. جمهوری اسلامی به مغفل بیکاری سیاسی و نه اقتصادی برخورد می‌کند و از مبارزه و جنبش کارگری علیه بیکاری وحشت دارد. مبارزه کارگران علیه بیکاری نیز طبعاً در این شرایط انقلابی نمی‌تواند در چهارچوب مبارزه اقتصادی محدود سانسند. همانطور که در درود و اندیمنک و اخیراً در سندج نماد. ما قبلاً نیز به این مسئله پرداخته بودیم. برای روشن شدن بحث اول پاسخ ما ضمن مراجعه به مقالات علیه بیکاری، توصیه می‌کنیم تا به مقاله "از لنین به ملت" نامه به ای. کوسف در کتاب اشعادهای کارگری صفحه ۵۵ مراجعه کنید.

سوال ۲: "آیا علیه بیکاری وابسته به اتحاد مبارزان کمونیست است؟"

واقعبیت این است که "اتحاد مبارزان کمونیست" سهم عمده را در بسیانگذاری و سازماندهی کمیته ایجاد داشته است. اما این بمعنی وابستگی تشکیلاتی کمیته ایجاد به "اتحاد مبارزان کمونیست" نیست. کمیته ایجاد به روی کلیه نیروهای کمونیست انقلابی که بلا تفرم مبارزاتی اش را بپذیرند، باز است. برای دقیق تر شدن پاسخ این سوال، خوانندگان را به سرفاله ۲ علیه بیکاری رجوع می‌دهیم. به علاوه رفقای "اتحاد مبارزان کمونیست" این مسئله را بروشنی در اعلام حمایت خود از کمیته ایجاد در "سوی سوسیالیسم" - ۲ توضیح داده‌اند.



## کمک‌های مالی دریافت شده

ش - ۵۰۲۱	۵۰۰ تومان
اصفهان - رفیق هوادار	۱۰۰ "
گیلان - رفیق هوادار	۴۰ "
کارگر ساختمانی - ج - ۱۱	۱۰۰ "
شیراز - ج - ۳۳	۵۰۰ "
شیراز - ش - ز	۲۰ "
شیراز - یک معلم جنگرده - ز - ۱۲۳	۵۰۰ "
کرج - ف. ک.	۱۵۰ "

از دوستان و رفقای که به "کمیته ایجاد" کمک مالی می‌کنند، تقاضا می‌کنیم تا کمک خود را همراه با یک کد، نام یا یک علامت مشخص برای ما بفرستند.

## در یوزگی مزدوران رژیم!

او کور نیست. آقای سجادی دروغ میگوید. راستی اگر از سجادی سوکر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی چیزی غیر از این می شنیدیم تعجب آور بود. او برای به اصطلاح انصاف حرفهایش علامه هاشمی از طرف سازمان بیکار و کمینه ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری را مثال می آورد.

شما حتماً اعلامیه "کمینه ایجاد" را ("رژیم جمهوری اسلامی یورش دیگری را به دکه داران تسداریک می بیند") خوانده اید. بیکار دیگر آنرا بخوانید تا ببینید که چگونه مبارزات کارگران بیکار و دکه داران، آقای سجادی و امتثالیم را وادار به دفاعی این چپس مدبوحانه از رژیم و اعوان و انصارش می کند.

حتماً این آقا یک مشت چرندیات لایق خودش و طبقه اش را در پشت کلمات، فساد! و منکرات! به کارگران بیکار و دکه داران انقلابی نسبت می دهد. این آقا حرات دارد این حرفها را خلوی اسنوه کارگران بیکار و دکه داران انقلابی بزد. خواهید دید که چه پاسخ دندان شکنی را سرپا از کارگران بیکار بوش جان خواهد نمود.



سرپرست دادگاههای منکرات در محاصره ای با خبرنگار کیهان در پاسخ سوال خبرنگار که: برخی از سوار فروشان اعلام کرده اند در صورت وجود کار، دست از این شغل خواهند کشید، شما چه برنامه ای در نظر دارید؟

گفت: ما نمی توانیم اجازه دهیم افرادی بسا عنوان بیکاری مملکتی را که فریادالله اکبر رسدگانش در جنبه هاند استنسه سوی فساد سوق دهند. ما بارها اعلام کرده ایم خصوصاً دادستان کل انقلاب اطلاعاتی داد که شغل خود را تغییر دهند. اما آنها ترتیبی اثر نداده اند. اینان بیکار نیستند، بلکه به نام بیکاری، کار اساسی استعمارگران را که به آنها سپرده شده انجام می دهند.

وی آنگاه به اطلاعیه هاشمی که از سوی سازمان بیکار و کمینه ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری انتشار یافته بود اشاره کرد و گفت: اینها در ندادن برنامه هاشمی بوده اند، ما افرادی را در این رابطه دستگیر و تحویل زندان داده ایم.

(به نقل از کیهان - شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۰، صفحه ۱۱)

صفحه ۱۱ کیهان  
شنبه ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰

بیشتری نیابند. در پاسخ خبرنگار کیهان که پرسید: برخی از سوار فروشان اعلام کرده اند در صورت وجود کار، دست از این شغل خواهند کشید، شما چه برنامه ای در نظر دارید؟ آقای سجادی پاسخ داد: ما نمی توانیم اجازه دهیم افرادی بعنوان بیکاری مملکتی را که فریادالله اکبر رسدگانش در جنبه هاند استنسه سوی فساد سوق دهند. ما بارها اعلام کرده ایم خصوصاً دادستان کل انقلاب اطلاعاتی داد که شغل خود را تغییر دهند، اما آنها ترتیبی اثر نداده اند. اینان بیکار نیستند بلکه بنام بیکاری، کار اساسی

استعمارگران را که به آنها سپرده شده انجام می دهند. وی آنگاه به اطلاعیه هاشمی که از سوی سازمان بیکار و کمینه ایجاد اتحاد کارگری انتشار یافته بود اشاره کرد و گفت: اینها در ندادن برنامه هاشمی بودند و ما افرادی را در این رابطه دستگیر کرده و تحویل زندان اوین داده ایم، که یکی از آنها در زندان به یکی از برادران پاسدار هجوم میرد، تا اسلحه وی را بگیرد. وی سپس گفت:

کارگران بیکار! دکه داران انقلابی!

آقای سجادی سرپرست جدید دادگاههای منکرات! ادعا می کند که بیکاری برای دکه داران بهانه است! آنها می باشند خود را تغییر!! دهند! دکه داران و کارگران بیکار فساد می کنند!

آقای سجادی ادعاهای بزرگی کرده است. آیا آقای سجادی فقر و درگیری میلیونها کارگری بیکار و خانواده هایشان را نمی بیند؟ آیا گرسنگی و بیماری هزاران کارگر بیکار را نمی بیند؟ زندگی فلاکتناز دکه داران را نمی بیند؟ بسا می بیند و آنها را به حساب "فساد استعمارگران" می گذارد. آیا آقای سجادی کور است؟!

بقیه از صفحه ۲۰

سکوت معنسی دار کار

دادن! تشریه "کار" با بیان واقعیات تلخ! بعضی تقدم منافع بشریه و تشکل خود بر منافع طبقه کارگر!

واقعیات همین است. برخورد های "کار" به مسئله بیکاری را تنها می توان "رست دهنده" تشریه نامید. اما، فدائیان خلق! آیا کارگران می توانند بسا اید منتظر بمانند که راه حلی ارائه شود؟! خـون بدهد که بفهمند، "هیئات! .....

کمیونستها علم مبارزه را می دانند و کارگران را به پیشبرد آن فرا می خوانند، کمیونستها واقعیات را تفسیر می کنند، بلکه قانونمدنها را از درون واقعیات کشف می کنند و در پی تغییر آنند. کمیونستها رهبران واقعی جنبش کارگری هستند!

اگر فدائیان خلق خود را در این صف می دانند، باید صریح اهداف مبارزه و چگونگی پیشبرد آنرا در جمله در این یک عزمه روشن کنند. ایستاده ما، بلکه کارگران از فدائیان خلق می خواهند.

و بالاخره نباید بتوان گفت، کاری که آن فروشنده، با آن همه هیجان، با آن همه تلاش خود می کرد نه برای آنگاه کردن کارگران، نه خدمت به منافع طبقه کارگر، بلکه تنها برای "فروش" تشریه "کار" بوده است!

"محمد"

## اعلام حمایت دوهسته کارگری از کمیته ایجاد

سویالیسیم است . که در آن نیروی کار از بند رها شده و حکومت کارگری ( دیکتاتوری پرولتاریا ) برقرار گردیده و فقر و ستم و بیکاری پایان می‌یابد .

ولی ما اولین قدمهای خود و تنها راه اصولی مبارزه با بیکاری و تامین زندگی کارگران بیکار را همانطور که گفتیم "اتحاد کارگران شاغل و بیکار" می-دانیم و برای همین از "کمیته ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری" که در میان تمام سازمانهای موجود به این راه حل اصولی مبارزه با بیکاری واقف شده و در جهت ایجاد یک شکل توده‌ای با اتحاد کارگران شاغل و بیکار حرکت می‌نماید ، پشتیبانی نموده و از تمام کارگران مبارز پیله‌تکس می‌خواهیم که ، نشریات این "کمیته" را بنام "علیه بیکاری" را خوانده و آنرا وسیعاً در میان تمام دوستان خود چه بیکار و چه شاغل پخش کنند . ما نیز به توبه خود این قول را به "کمیته ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری" می‌دهیم که اعلامیه‌ها را در سطح کارخانه پخش کرده و تمام تلاش خود را می‌کنیم که تا آنجا که از عهده ما بر می‌آید نشریات "علیه بیکاری" را به کارگران برسانیم ، و تمام کارگران مبارز پیله‌تکس را به نظرات این کمیته آشنا کنیم و آنان را در جهت تبلیغ و ترویج آن تشویق نماییم .

کارگران شاغل ، کارگران بیکار ، اتحاداتحاد علیه بیکاری !

پیش‌سوی ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری !  
برقرار باد جمهوری دموکراتیک و انقلابی  
کارگران و زحمتکشان ، حکومتی که حقوق کارگران و زحمتکشان را تامین می‌کند !

حل قطعی و نهایی بیکاری تنها با برقراری سویالیسیم امکان پذیر است !

هسته "نبرد کارگر" پیله‌تکس ۶۰/۲/۲



اعلام پشتیبانی هسته "کارگران مبارز" از کارخانه هوست .

رفقای هسته "کارگران مبارز" نیز با اشاره به موارد مشخص اخراج در ایران بویلین رشت و هوست و مشکل بیکاری بمنابہ حربهای در دست سرمایه‌داران ، برای تهدید کارگران شاغل به اخراج ، بر لزوم اتحاد کارگران شاغل و بیکار تاکید نموده و مهم ترین اهداف و مواضع "کمیته ایجاد" را برای کارگران ، بازگو می‌کنند . در پایان اعلامیه رفقا حمایت خود از کمیته ایجاد را چنین اعلام می‌کنند :

بقیه در صفحه ۲۴

ما در سرمقاله شماره ۸ از همه هسته‌ها و دیگر شکل‌های کارگری که پلانفرم کمیته ایجاد و حرکات ما در کمیته ایجاد را صحیح می‌دانند ، خواستیم تا علناً ما حمایت کنند و در محیط رست و مبارزه خود مبلغ "اتحاد کارگری علیه بیکاری" باشند . کارگران را با اهداف کمیته ایجاد آشنا نمایند و از آنان بخواهند تا به صفوف مبارزان "اتحاد کارگری علیه بیکاری" بپیوندند .

امروز ما شاهد حمایت غنی دوهسته کارگری هستیم: هسته "نبرد کارگر" از کارخانه پیله‌تکس و هسته "کارگران مبارز" از کارخانه هوست . ما صمیمانه ست‌رفقای "نبرد کارگر" و "کارگران مبارز" را می‌فشاریم و امیدواریم تا در آتیه نزدیک ، اقبال در یافت اعلام حمایت سایر هسته‌ها و شکل‌های کارگری را نیز داشته باشیم .

در اینجا خلاصه ای از این اعلام حمایت‌ها را می‌آوریم :



اعلام حمایت هسته "نبرد کارگر" از کارخانه پیله‌تکس

رفقا در اعلامیه تحت عنوان "کارگران ! با اتحاد خود برای مبارزه علیه بیکاری بیاوریم !" ، ضمن اشاره به بحران جهانی سرمایه‌داری و هم چنین بیکاری بمنابہ یکی از عوارض نظام سرمایه‌داری ، بیوی "تناق و تفرقه در میان صفوف کارگران بیکار و شاغل" انگشت می‌گذارند و می‌گویند :

"... برای اینکه بتوانیم از بکطرف ما کارگران شاغل در کارخانه‌ها ، برای خواستههای سرحق خود به مبارزه برخیزیم و ملاح برنده "تهدید به اخراج" سرمایه‌داران را بی اثر سازیم و از طرف دیگر زندگی خواهران و برادران بیکار خود را که هر روز بر تعدادشان افزوده می‌گردد ، را تامین کنیم ، لازم است ما کارگران چه بیکار و چه شاغل صفوف خود را متحد گردانیم و با اتحاد خود برای خواستههایمان ، چه اقتصادی و چه سیاسی دست به مبارزه بزنیم ."

در ادامه اعلامیه رفقا حمایت خود از "کمیته ایجاد" را چنین اعلام می‌کنند :

### کارگران ! ماهسته "نبرد کارگر"

پیله‌تکس اعتقاد داریم که بیکاری مسئله‌ای نیست که در نظام سرمایه‌داری قابل حل باشد ، بلکه تنها راه علاج آن

سازمانی رزمند بر علیه بیکاری ، ایجاد باید گردد !

## اعلام پشتیبانی "اتحاد مبارزان کمونیست" از "کمیته ایجاد"

میدانند تا "پیوند خود را با کمیته ایجاد و پشتیبانی قاطع خود را از آن تاکید کرده و به سهم خود با مادد فراخواندن نیروهای جنبش کمونیستی به کمیته ایجاد همصدا شوند".  
سپس رفقا به پلاتفرم کمیته ایجاد و احکام آن اشاره داشته و آنرا انقلابی و مارکسیستی ارزیابی می کنند. رفقا در این خصوص چنین می نویسند:

"این احکام مارکسیستی، و به تبع آن پلاتفرم مبارزاتی متنی به آن، به کمیته ایجاد امکان می دهد تا از هم اکنون با انحرافات بنیادی ای که در سطوح تشویک، تاکتیکی و تشکیلاتی می تواند جنبش کارگری را در مبارزه بر علیه بیگاری به شکست بکشاند، مرز بندی نمایند. رفقای کمیته ایجاد به وقت با این توهّم فریفتگی و پیوولیسیتی که بیگاری پاسخ خود را در یک انقلاب دموکراتیک خواهد یافت، مقابله می کنند و بر ضرورت سوسیالیسم تاکید می ورزند، دیدگاههای رفرمیستی را که حل مساله بیگاری را در محیطه قدرت سرمایه داری بطور اعم و رژیم جمهوری اسلامی بطور اخص ممکن و مقدور میدانند، محکوم میکنند، با اکتونوسم در برخورد به مساله بیگاری، که اهمیت تبلیغاتی سیاسی و کمونیستی را بر متن این مساله انکار میکند، مرز بندی می کنند و بالاخره بر اهمیت این عرصه مبارزه، بعنوان یکی از عرصه هائی که به کمونیستها امکان می دهد تا صفوف جنبش کارگری را فشرده تر و متحد تر سازند، سوسیالیسم را ترویج کنند و طبقه کارگر را بر علیه ارتجاع سیاسی سازماندهی کنند، تاکید می گذارند."  
در بخش دیگری از این مقاله، رفقا به پلاتفرم علیه بیگاری "به عنوان محوری مشخص برای اتحاد عمل کمونیستها برخورد می کنند:

"ما معتقدیم عرصه مبارزه بر علیه بیگاری یکی از آن عرصه های مشخصی است که مبارزه متحدانه نیروها و سازمانهای مختلف کمونیست در آن امکان پذیر و ضروری است. مساله بیگاری می رود تا به اذعان سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، به یکی از مسائل حاد مبارزه طبقاتی بدل شود. ارتجاع آشکارا خود را برای مقابله با موج جدید جنبش کارگری بر علیه بیگاری آماده میکند، و این وظیفه خطیر کمونیستها در سازماندهی این جنبش را، موكسد ا خاطر نشان می سازد. نیروهای کمونیست موظفند نقشه عملی خود برای سازماندهی این جنبش را تدارک ببینند و حرکت هر چه سریعتر برای تحقق این نقشه عملی را آغاز کنند."

و سرانجام رفقا برای خود تعیین وظیفه کرده و می گویند: "در پایان، با اعتقاد به اصولیت برنامه و نقشه مبارزاتی "کمیته ایجاد اتحاد کارگری علیه بیگاری" و با تاکید بر وظیفه خود متنی بر شرکت هر چه فعالتر در سازماندهی مبارزه کارگران بر علیه بیگاری از درون این کمیته، برای رفقا آرزوی پیروزی می کنیم."

ما ضمن اینکه اعلام می کنیم تاکنون از تلاشها و همکاریهای رفقای "اتحاد مبارزان کمونیست" برخوردار بودهایم، مجدداً تاکید میکنیم که دست همکاری کلیه نیروهای حقیقتاً کمونیست را در مبارزه برای ایجاد "اتحاد کارگری علیه بیگاری"، بگرمی خواهیم فشرد.

پیش بسوی اتحاد کارگری علیه بیگاری!



"اتحاد مبارزان کمونیست" طی مقاله ای در بسوی سوسیالیسم (پهمن ۵۹)، حمایت خود را از "کمیته ایجاد" اعلام کرد. ما ضمن پرورش از دیرکردی که در درج این اعلام پشتیبانی وجود دارد، گونه هائی از آن مقاله را در اینجا می آوریم.  
رفقا با اذعان به این مطلب که تاکنون "سهم اصلی را در شکل دادن به کمیته ایجاد از نظر سیاسی و تشکیلاتی داشته اند، انتشار پلاتفرم مبارزاتی (در علیه بیگاری- ۴) را فرصت مناسبی

بقیه از صفحه ۲۳

اعلام حمایت دو هفته کارگری...

دوستان کارگر!

ما هسته کارگران مبارز هوست "اعلام میکنیم که اهداف کمیته ایجاد "اتحاد کارگری علیه بیگاری" اهداف ما نیز هست. ما هم برای همان چیزهایی مبارزه می کنیم که "کمیته ایجاد" برایش مبارزه میکند. به همین دلیل از مبارزات کمیته ایجاد حمایت میکنیم و می کوشیم تا به سهم خود در پیشبرد این مبارزه و تحقق آن نقش فعالی داشته باشیم. به همین دلیل از این به بعد اعلامیه های کمیته ایجاد "اتحاد کارگری علیه بیگاری" را بازتکنیس و بخش می کنیم. روی مواضع نشریه "کمیته ایجاد" تبلیغ می کنیم. ضرورت همکاری با "کمیته ایجاد" و روشن کردن اهداف آنرا برای شعاعی نکافیم و ...

کارگران مبارز هوست!

ما باید در مقابل اخراج همکارانمان با بیستیم از مبارزات کارگران بیکار حمایت کنیم. صفوف خودمان را در مبارزه بر علیه بیگاری متشکل کنیم و از اهدافی که کمیته ایجاد برایش مبارزه می کند حمایت کنیم. حمایت از مبارزه بیکاران، حمایت از مبارزه کل طبقه کارگر ایران است.

تعمیم گیری در مورد اخراج حق مسلم مجمع عمومی کارگران است!

کارگر کارگر بر علیه بیگاری، اتحادی مستحکم، سازمانی رزمنده، ایجاد میاید کرده!

سرمایه، سرمایه، عامل هر بیگاری!

اخراج، بیگاری، مانع بیکار ماست کارگران اتحاد!

زنده باد سوسیالیسم!

هسته "کارگران مبارز" هوست

۶۰/۳/۳

ما سعی می کنیم نشریه کمیته ایجاد یعنی "علیه بیگاری" را هر چه بیشتر بدست کارگران برسانیم، برای کمیته ایجاد گزارش و خبر خواهیم فرستاد.





# اخبار خارجی

### اخراج کارگران فیلیپینی را متوقف کنید!

روز ۲۳ نوامبر برای جلوگیری از اخراج ۲۲۴ نفر از کارگران فیلیپینی از انگلستان ۳۰۰ نفر از هواداران فابری سیم فایت امپریالیزم ( ارگان غذا امپریالیستی ضد نژادی گروه RCG - م ) دست به تظاهرات زدند. بهانه دولت نژادپرست انگلستان چیست ؟ اینستکه این کارگران که عمدتاً زن هستند هنگام ورود به این کشور با ازدواج کرده بودند با کودکانی در کشور خودشان داشتند و طبق قانون جدید حالا باید کشور را ترک کنند . دولت نژادپرست انگلستان اکنون با بالاترین میزان بیکاری مواجه است و از هر حیل‌های استفاده می‌کند تا حقوق این کارگران را پایمال کند . برخورد حزب بورژوازی کارگر و اتحادیه‌های کارگری بدین صورت بود که آنها بیش از ۳۰ نفر نتوانستند برای راهپیمایی بسیج کنند که اکثریت این عده هم فیلیپینی بودند . کارگران فیلیپینی از یک کشور تحت سلطه امپریالیسم به بریتانیا آمده‌اند تا با بدبیش بدترین کارها با حداقل دستمزد در این کشور کار کنند . دولت امپریالیستی انگلستان فقط یک مسئله توجه دارد و آنهم سود است . تنها راهی که می‌تواند با این اخراجها و تمام اشکال نژادی مبارزه کرد برپا ساختن جنبش ضدنژادی - ضد امپریالیستی است . ( خلاصه شده از متن اصلی - م )

Fight Racism Fight Imperialism

شماره ۸ ژانویه و فوریه ۱۹۸۱، فابری سیم فایت امپریالیزم

## انقلاب اسلامی

تا پایان سال جاری میلادی  
تعداد بیکاران در کشورهای  
آمده صنعتی به ۳۰ میلیون نفر  
خواهد رسید

پاریس - خبرگزاری فرانسه - تحقیقات انجام شده از سوی سندیگای مشاور سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نشان میدهد که تعداد بیکاران در کشورهای صنعتی اروپای غربی، آمریکای شمالی، استرالیا و ژاپن در پایان سال ۱۹۸۱ بالغ بر ۳۰ میلیون نفر خواهد بود. این سازمان در گزارشی که دیروز منتشر کرد از وحامت بحران اقتصادی در غرب سخن گفته و یک

سلسله پیشنهادات را به رهبران کشورهای فوق در جهت حل مشکل بیکاری ارائه داده است. در این گزارش بر اجتناب از بروز جنگ اقتصادی میان کشورهای صنعتی، لزوم کاهش ساعت کار بدون کاهش دستمزد، بافاس منابع جدید انرژی ارزان قیمت و اقدام مستقیم برای ایجاد اشتغال و کاهش نرخ بهره بعنوان راه حل - هائی برای بحران بیکاری تاکد شده است.

شنبه ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ صفحه ۲ کیهان  
۱۱ رجب ۱۴۰۱ - شماره ۱۱۴۸۵  
بظاظر اوضاع بد اقتصادی فرانسه  
۱۰ هزار نفر سال گذشته در فرانسه  
خودکشی کردند

پاریس - خبرگزاری فرانسه - در چهار سال گذشته با تشدید بحران اقتصادی در فرانسه درصد خودکشی در این کشور شدت افزایش یافته است. بنا بر گزارش سازمان ملی مطالعات درصد خودکشی بین جوانان و زنان بیشتر است. در سال ۱۹۸۰ بیش از ده هزار نفر در فرانسه خودکشی کردند. یعنی از هر صدهزار نفر بیست نفر دست به خودکشی زدند. میزان خودکشی در سال ۱۹۷۷ - ۱۶۷۵ درصد، ۱۹۷۸ - ۱۷۵۰ درصد، ۱۹۷۹ - ۱۸۴۰ درصد و در سال گذشته ۱۹۷۲ درصد بوده است. بنا بر مطالعه مزبور علت رشد فزاینده خودکشی اوضاع بد اقتصادی فرانسه است.

### مخسوم به کارگران الجزایری

مهاجرین در فرانسه بخصوس آنهاشکه از شمال آفریقا هستند مثل مهاجرین سربیناسیا از حملات نژادپرستانه بکسانی رنج می‌برند . امپریالیست ضرورتاً نژادپرست است . امپریالیسم فرانسه مثل بریتانیا تاریخ بکسانی دارد . ابتدا مستعمرات را غارت می‌کنند سپس بعد از جنگ از مردم کشور تحت‌تسلیم برای کار در کشور خودشان بسا کمترین حقوق استقبال می‌کنند . اکنون در زمان بحران، یک مبارزه همه‌جانبه را برای اخراج کارگران در فرانسه را صادر کرده‌اند . همانطوریکه ژا بربگ گفت "درکشوری که دومیلیون مهاجر دارد که یک میلیون آنها بیکارند مسئله بیکاری وجود ندارد "

تا سال ۱۹۷۲ میزان مهاجرت غیر رسمی به فرانسه بمیزان ۵۰ درصد بود . این مهاجرین بدون داشتن اجازه کار و محل اقامت توسط دولت تحمل می‌شوند . زیرا که اقتصاد کشور در حال گسترش بود و بآنها نیاز داشتند . زمانیکه فرانسه با بحران اقتصادی مواجه است این سیاست تغییر کرده است . هر کارگر مهاجر محتاج به اجازه کار است که نام خود و کارفرماش را منحص می‌کند . این امضا اجازه اقامت بآنها امضا شده باشد . بدون این امضا اجازه اقامت بآنها داده نمی‌شود . این بمعنای آنستکه کارگران مستقیماً تحت اختیار کارفرما هستند . اگر کارگری کارش را از دست دهد او اجازه اقامتش را هم از دست خواهد داد و باید اخراج شود . یک راه ساده برای اخراج کارگران مبارز !

در سال ۱۹۷۲ دولت فرانسه به تمام مهاجرتهای همچنین مهاجرت خانواده‌ها پایان داد . سال بعد آنها اعلام کردند که اجازه اقامت برای زمان محدودی صادر می‌شود . در سال ۱۹۷۶ حکمی قانونی شد که بموجب آن هر کارگر مهاجر که بیش از شش ماه بیکار باشد اخراج خواهد شد . همان سال برنامه‌ای تحت عنوان "کمک‌کردن" به اخراجها شروع شد . مهاجر برای بازگشت به کشور اصلی اش "کمک‌شد" اما بقیمت تمام حقوقی که ضمن کار کردن در آن سهم بود مثل حقوق بازنشستگی ، حقوق مریمی و غیره .

علی رغم تمام این اقدامات ، ادیت پلیس و بوروکراسی دولت بمسخر دولت هنوز تعداد زیادی از کارگران مهاجر در فرانسه وجود دارند . در ماه سپتامبر قراردادی بین دولت فرانسه و دولت الجزایر امضا شد که طبق آن هر بقیه در صفحه بعد

اعلامیه هواداران کمیته ایجاد در مشهد

هواداران کمیته ایجاد در مشهد اعلامیه ای خطاب به کارگران زیر عنوان: "برای حل مسئله بیکاری، کسبیتها چه میگویند؟ علیه بیکاری چه میگویند؟" منتشر کرده اند که در آن از کارگران خواسته اند تا نسبت به مشکل بیکاری که مشکل کل طیفه است بی تفاوت نباشند و بدستال راه مبارزه بر علیه آن باشد. هواداران کمیته ایجاد در مشهد سپس رئوس مواضع کمیته ایجاد را برای کارگران مطرح ساخته و از آنان خواسته اند تا بیایند و از زبان کمیسونها و علیه بیکاری راه حل بیکاری را بشنوند.

برای رفقای هوادار کمیته ایجاد در مشهد امید موفقیت را داریم.

توانست هواداران نشریه "علیه بیکاری" در اصفهان

هواداران "علیه بیکاری" در اصفهان در تراکتی خطاب به کارآموزان مبارز از آنان خواسته اند تا "موقوف خود را مستحکم نموده و بر مبارزات خود شدت بخشند". رفقا سپس جهت ممانعت از سازش با سران رژیم، ارکارآموزان حواله استداناینگاران چون اکثریتی ها و توده ای ها را افشاء و طرد نمایند.

از هواداران اصفهان می خواهیم تا نسبت به نوشتن تاریخ و امضاء دقت بیشتری نمایند. این تراکت نه تاریخ داشت و نه امضاء! ما تنها از شعار انتهای تراکت ("علیه بیکاری تشریه کمیته ایجاد را بخوانید") شواستیم منتشر کنندگان تراکت را بشناسیم.

همچنین از همه هواداران کمیته ایجاد در شهرستانها می خواهیم تا نمونه اعلامیه خود را برای اطلاع همه خواستندگان و درج در نشریه برای ما ارسال دارند.



خبری از مبارزات آوارگان برای بسکن - باغ رودنیساپور

از ابتدای جنگ، ۳۰۰ آواره جنگی در چند ساختمان بلوک سیمانی ایسان بافتند. از جندی پیش سرپرستان اردوگاه آوارگان بر آنان فشار وارد می کنند تا این اتفاق را به بهانه اینکه می خواهند در آنجا درمانگاه و غیره بسازند، نخلیه کنند و به زیر چادرها رفته در آنجا زندگی کنند. این فشارها با مقاومت و اعتراض آوارگان همراه می شود. گرچه عده ای از آنان بر اثر فشار زیاد سرپرستان اردوگاه به مشهد می روند. در همین رابطه یک زن آواره می گفت: "اگر وضع همینطور باشد ما چه داریم به دزفول ما خواهیم گشت".

در تاریخ ۶۰/۲/۱۰ - میرسلیم سرپرست بنیاد امور جنگزدگان برای بازدید به باغ رود می رود. آوارگان شروع به اعتراض می کنند و به او می گویند: "همان کسانی که جنگ را راه انداخته اند، خودشان سببند در چادر زندگی کنند. اون زن و بچه رفتناتی بیایند زیر چادر زندگی کنند اگر زیر چادر زندگی کردن عیبت!" او سپس تمام آوارگان شعار می دهند: "اگر همه بمیریم، زیر چادر نمی میریم!"

بعد از چند روز علی کرباسی (رستاخیزی سابق و مکتبی و حزبی جدید) از افراد کمیته امداد خمینی با دو اتوبوس به اردوگاه می آید و می گوید: "هرگز نمی خواهد زیر چادر زندگی کند، برود اناتیه اش را بار کند و برود مشهد". آوارگان که به حيله و شیرنگاوی می برند، بطرف او حمله ور شده و می خواهند او را بزنند که فرار می کند و اتوبوسها را نیز با تهدید به شکستن شیشه هایشان روانه می کنند. تاکنون آوارگان به مقاومت خود ادامه داده و در اتفاقا زندگی می کنند.

۶۰/۲/۱۵

بقیه اخبار خارجی از صفحه قبل

سال ۲۵۰۰۰ نفر از کارگران الجزایری به کشورشان بازگردند. برای تشویق کارگران به ترک کشور دولت بینشهاد پرداخت مقداری پول و دوره های کارآموزی بآنها کرد. مقدار ماکزیم پولی که کارگران دریافت می کنند ۱۰۰۰ پوند خواهد بود. کارگران به کشوری باز می گردند که توسط امپریالیسم فرانسه غارت شده و توسط بحران جهانی ویران شده است. دولت فرانسه می تواند چندین چک ۱۰۰۰ پوندی بدهد ضمن اینکه تمام حقوق بازنشستگی و سودهایی که توسط کارگران بآنها پرداخت شده را پس انداز می کند. ۶ ماه بیکاری بمعنای اخراج است. ۲۲۰۰۰ کارگری که برای حقوق مدت بیکاری ثبت نام کرده اند ( وعده ای دیگر که امید دارند قبل از اینکه دستگیر شوند کار پیدا کنند) فواصن عدید تهدیدی جدی برای اخراج آنهاست. دولت بورژوازی فرانسه بخش الجزایری طبقه کارگر را ابتدا برای اخراج برگزیده اما این تهدیدی به کارگران همه ملیت هاست. همانطوریکه یکی از روزنامه های بورژوازی نوشت چرا فقط اخراج کارگران الجزایری؟ این یک واقعیت است که فرانسه ۸۰۰۰۰۰ الجزایری ۱۰۰۰۰ لیستانی ۵۰۰۰۰۰ ایثالیائی ۱۶۵۰۰۰ تاثرانیائی ۳۰۰۰۰۰ مراکشی و ۸۰۰۰۰۰ پرتغالی دارد. دولت مثل دولت بریتانیا سعی می کند که طبقه کارگر را بر طبق نژادشان تقسیم بندی کند. برای اینکه هر بخش را یکی پس از دیگری نکند دهد. ( خلاصه شده از یک مقاله م - م )

Fight Racism Fight Imperlism

شماره ۸ ژانویه و فوریه ۱۹۸۱، فایت ری سیم فایت امپریالیسم

صفحه ۱۱  
 ماه شنبه ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰  
 ۱۴ رجب ۱۴۰۶ - شماره ۱۱۲۸۷

**کیمیا**

زن و شوهر فرانسوی بعلت بیکاری خودکشی کردند

خبرگزاری فرانسه - کربونت - دیروز یک زوج جوان از پنجره طبقه سیزدهم یک ساختمان در شهر کربونت، درمکز فرانسه خود را پرت کردند. علت این خودکشی عدم دستیابی به کار بود.

در حدود ۱۷۰۰۰۰ بیکار در فرانسه وجود دارد و این زوج جوان که هفت سالگی و زنان هفتمه نام داشتند و بیست ساله بودند، از آخرین قربانیان موج انتحاری است که در کشور فرانسه بوجود آمده است. دانشجوی ملی مطالعات جمعیت شناسی فرانسه تعداد خودکشی را در سال گذشته در این کشور بیش از ۱۰۰۰۰ گزارش کرده است.

اعتراض کارگران، نماینده سپاه نیز اضاى خود را خط میزند. خشم کارگران بالا میگردد و ضمن گفتگو باهم تصمیم میگیرند روز شنبه با اتحاد و انسجام هرچه مستحکم تر مسئله را پیگیری کنند.

صبح روز شنبه نگهبانی مجدداً از ورود دونفر جلوگیری میکند. این بار کارگران مجدداً با خشم بیشتر وارد عمل می-شوند و پس از تعویض لباس خود و با لباس کار در محوطه کارخانه گردهم می آیند و تصمیم میگیرند که کار را بکسر کنند. کارگران باهم گفتگو میکنند. چند تن از کارگران در زمینه شورا و نقش آن در راهبری مبارزات کارگران صحبت میکنند. چند نفر از کارگران ضمن انشاکاری از عملکردهای مدیرعامل ماهیت ضد کارگری رژیم را نیز انشا میکنند.

در این هنگام، مدیرعامل وارد کارخانه میشود ولی با توجه به حضور کلبه کارگران در محوطه وارد ساختمان اداری میگردد. کارگران مانع ورود او میشوند و ضمن اعتراض خواهان اخراج او میگردد و وقتی با مقاومت مدیرعامل مواجه میشوند یکی از کارگران بازوهای او را گرفته و به بیرون از ساختمان پرت میکند. مدیرعامل به دفتر نگهبانی پناهنده میشود. کارگران در این هنگام قطعهنامه‌ای تنظیم میکنند. قطعهنامه به تأیید همه کارگران حاضر میرسد، مواد قطعهنامه:

۱- تشکیل شورای واقعی ۲- لغو احکام اخراج ۳- تعیین تکلیف کارگران موقت ۴- اخراج مدیرعامل و انتخاب جانشین ذیصلاح.

در این هنگام ژاندارمها و یک سرگرد ارتش سر می‌رسند، آنها هم در مقابل اتحاد کارگران خود را کنار میکشند. مدیرعامل قصد خروج از کارخانه را می‌کند، کارگران مانع میشوند و اعلام میکنند که اتهامات زیر به تو وارد است، باید در جمع عمومی کارگران حاضر شده و محاکمه شوی، در صورت عدم حضور غیاباً محاکمه خواهی شد. پس از اعلام این مسئله مدیرعامل کارخانه را ترک میکند. کارگران در مورد تشکیل شورا و معرفی کاندیدا-های شورا تصمیم میگیرند و انتخاب شورا را به فردا موکول می-کنند.

روز یکشنبه ۶۰/۱/۳۰ وقتی که کارگران حدود ساعت ۶ صبح جلوی درب کارخانه از سرویس پیاده می‌شوند با درب قفل شده کارخانه وجود یک کامیون ارتش، حضور حدود ۱۵ نفر ژاندارم، سرباز، ستوان، سرگرد مسلح در محوطه کارخانه مواجه گردیدند. کارگران حیرت زده نگهبان مزدور کارخانه را می‌بینند اما ۱۴ نفر را میخوانند که می‌باید خود را به دادگاه انقلاب... معرفی کنند و بقیه کارگران بسا دادن تعهد مبنی بر همکاری با مدیریت کارخانه وارد کارخانه میشوند. نگهبان با حمله کارگران مجبور میشود خود را پشت تئنگ بدستپا پنهان کند.

کارگران اعلام کردند با همه به دادگاه میروند و یا هیچکس نمی‌رود. کارگران همه در پشت درب کارخانه تجمع کرده و قرار گذاشتند که به هیچ عنوان اجازه نخواهند داد این ۱۴ نفر را از آنان جدا کنند. آنها باهم گفتگو میکردند، در مورد اتخاذ یک راه درست بحث میکردند، سعی داشتند بهترین راه را برگزینند. همدیگر را قانع میکردند، نظرها را رد مینمودند. بالاخره عده‌ای پیشنهاد کردند که پیاده مسیر را طی کنند و ضمن اطلاع به کارگران کارخانجات دیگر حمایت آنان را جلب نمایند و با پیاده روی و تظاهرات در چند خیابان شهر به استانداری مراجعه کنند. این پیشنهاد از جانب بقیه رد شد و اعلام

گردید که این کارخانه مال ماست، ما بودیم که حدود ۵ سال پیش، خشت و بنای این کارخانه را گذاشتیم، آخر کسیدیم، پای تیر آهن‌هایش سیمان ریختیم، ۵ سال جان کدم که حالا حق نداشته باشیم وارد محوطه‌اش شویم، باید در همینجا بمانیم. همه قبول کردند و ضمناً تصمیم گرفتند که ماجرا را نوشته همه اعضا کنند، به استناد آری، راد پوتلویون، روزنامه انقلاب اسلامی و... اطلاع دهند. در این هنگام اعلام گردید که دادن تعهد لزومی ندارد بجز ۱ نفر بقیه میتوانند وارد کارخانه شوند. کارگران قبول نکردند. پس از ساعتی اعلام کردند که رانندگان جهت حمل و توزیع محصول وارد کارخانه شوند. رانندگان و کلبه کارگران از این کار خودداری کردند. پس از حدود یکساعت ۷ نفر از رانندگان اداره کشاورزی با تلفن قائم مقام به کارخانه آمدند که با توضیح جریان مبارزه برای آنان از طرف کارگران، آنها نیز از انجام کار خودداری میکنند. اما آنها با دستور سرگرد ژاندارم مجبور شدند وارد کارخانه شوند و کامیونها را آماده سازند. کامیونها بسا همکاری نگهبان خود نروخته با رگبری و جهت خروج از کارخانه پشت درب قرار گرفتند. کارگران در این طرف درب همگی سر راه کامیونها نشستند. جناب سرگرد اخطار کرد که اگر بلند نشوید و راه را باز نکنید کامیونها از روی شما خواهند گذشت. کارگران توجهی نکردند. جناب سرگرد به افراد خود دستور آمد و بایش داد و اخطار کرد که اگر از جای خود بلند نشوید شلیک خواهیم کرد. کارگران به این اخطار هم توجهی نگذاشتند پس از چند دقیقه راننده‌ها از پشت کامیونها پیاده می‌شوند، تیری هم شلیک نشد اما پس از مدتی کارگران در این سوی درب ضمن صحبت با یکدیگر تصمیم گرفتند که رانندگان توزیع کارخانه امر توزیع را بعهده گرفته و محصول را بشهر برسانند. رانندگان با همراه کلبه‌هایشان محصول را روانه بازار کردند. پس از مدتی یک مینی بوس به همراه ۱۵ نفر از افراد بسیج بدر کارخانه آمد ولی چون با انبوه کارگران کارخانه مواجه شدند و قوای خود را ضعیف دیدند بلافاصله برگشتند و حدود ۲۰ دقیقه بعد مجدداً اینبار با حدود ۲۵ نفر با همان مینی بوس سر رسیدند. افراد را بپاوه کردند. افراد بسیج بمان کارگران آمدند، کارگران تذکر دادند که قصد درگیری ندارند. افراد بسیج شروع به توهین و نحاشی نمودند، کارگران صفوف خود را نشوده کرده و در تلاش توضیح مسئله بودند که برخورد لفظی شدت گرفت. آخوند کارخانه هم در این میان سر رسید و سعی کرد بین کارگران تفرقه بیندازد. در این هنگام سه ماشین پاسدار مسلح به اضاغه یک اتوبوس واحد حدود ۵ نفر چاقو اقرار جلو کارگران توقف کردند. صفوف دشمنان کارگران با توجه به اسامی و لباسهای رنگارنگشان متحد تر و نشود تر شد. عده شان هم افزایش یافت. درگیری شروع شد، چند تن از کارگران زیر ضربات دشمنان خود، این مزدوران سنگ صفت و عوامل حلقه بگوش سر ما به اداری و امیر یالسم، مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. آنها خواهان ۱۴ نفر بودند و در مقابل کارگران دلیرانسه مقاومت میکردند. مزدوران با اشاره سیزده انگشت ۱۴ نفر را نشان میدادند ولی حرف کارگران یکی بود، یا همه کس بسا هیچکس و حالا که قدرت و نیروی دشمنان زیاد است، پس همه همه سوار اتوبوس شدند، عده‌ای جاما ماندند، چند نفری در حال تزلزل خود را پس کشیدند. اتوبوسهایی که از آنطرفی چماق‌دارها را آورده بود، از اینطرف کارگران، این شریفترین و صادقترین انسانهای عصر را با خود می‌برد.

## مبارزه کارگران شیروپاستوریزه منطقه خراسان

### نمایشی از قدرت اتحاد و مبارزه کارگران!

حکم اخراج این دونفر از طرف سپاه پاسداران صادر شده است آنها باید جوابگو باشند. کارگران اعتراض کرده و می گویند که ما ترا مسئول می شناسیم و تو باید جواب بدهی. در آنسر اتحاد و یکپارچگی کارگران مدیر عامل در مقابل کارگزاران عقب نشینی کرده و می گوید که این دونفر می توانند وارد کارخانه شوند ولی نباید وارد کارگاه شوند و کار کنند، باید دست بردار باشند. کارگران این پیشنهاد را نمی پذیرند و اعتراض میکنند. مدیر عامل میگوید اینها بیرونند و برگردند و حقوق بگیرند. کارگران باز هم اعتراض میکنند و میگویند تسو چه کاره ای که میتوانی به کسی که کار نمی کند حقوق بدهی، مدیر عامل جواب میدهد من عضو سپاه و نماینده آنها در این کارخانه هستم. کارگران باز هم اعتراض میکنند و هر لحظه بر فشار خود می افزایند و اعلام میکنند که یا آنها باید بسر کار برگردند و یا ما خود آنها را در مجمع عمومی محاکمه کنیم. مدیر عامل ضمن توهین به کارگران میگوید که " شما کی هستید که حق محاکمه آنها را داشته باشید ". کارگران جواب می دهند ما کارگریم، ما آنها را می شناسیم، ما حق داریم که در حضور همه، آنها را محاکمه کنیم و آنها نیز از خود دفاع کنند. مدیر عامل از جمع کارگران میروید و پس از او پاسداران سر میروند. افراد سپاه پس از شنیدن اعتراضات کارگران پیشنهاد میکنند که " نمایندگان خود را بفرستید تا همراه ما نماینده نداریم و همه نماینده خود هستیم تا با ما مدیر عامل خبری نداریم اگر او مسئله ای دارد باید به اینجا بیاید. در نتیجه مدیر عامل قائم مقام و پاسداران دوباره به جمع کارگران می آیند و مذاکره صورت بگیرد. چون مدیر عامل حربه های گذشته خود را تکرار میکند کارگران اعتراض میکنند. افراد اخراجی ضمن دفاع از خود اعلام میدارند چون آنها ما وارده به ما در مورد مسائل نمی است و چون مدیر عامل نافرمانی و صلاحیت در این مورد است لذا پیشنهاد میکنند که یک هیئت فنی با نظارت نمایندگان کارگران این مسئله را بررسی نماید (! این پیشنهاد مورد تأیید قرار میگیرد و نمایندگان سپاه اعلام می دارد که این هیئت است بطرف !!

در مورد ساعت کار هم پیشنهاد میشود یکی از اعضای سپاه با اضافه دونفر از نمایندگان کارگران به کارخانجات مسیر و ادارات تا به در شهر مراجعه کرده، ضمن اطلاع از چگونگی ساعت کار آنها و با توجه به بعد صانت کارخانه به اداره کار مراجعه کرده و ضمن مذاکره راه حل اساسی! اتخاذ نمایند. بعد از تأیید کارگران پیشنهادات فوق در صورتجلسه های تنظیم و به اعضای نمایندگان کارگران و نماینده سپاه و مدیر عامل میرسد ولی پس از چند دقیقه مدیر عامل پیشنهادات را رد کرده و اعضای خود را از صورتجلسه پاره میکند و بدنبال

گزارشی از مبارزه بزبور کارگران شهر مشهد برای جلوگیری از اخراج چند تن از رفقای کارگران بدستمان رسیده است که ما خلاصه ای از آن را در اینجا می آوریم.

بدنبال اخراج ۴ تن از کارکنان در تاریخ ۲۵/۱۲/۵۹ و بوجود آمدن جو ترس و خفان در کارخانه و در پی یک سلسله اختلافات درون ما. بریت بالاخره ریاست جدید کارخانه که عضو سپاه پاسداران بود در روزهای اول فروردین ۱۳۶۰ یک ساعت به کار روزانه کارخانه اجازه و نیم ساعت از انرا به تازی کارگران کم میکند. بدنبال این حرکت مبارزه کارگران آرام اوج میگیرد. پس از چند بار مراجعه به اداره کار و بی نتیجه ماندن فشار به مدیریت از این طریق، کارگران جلسه عمومی تشکیل داده و از مدیریت میخواهند که در جلسه به مسائل و سئوالات کارگران پاسخ دهد. مدیر عامل در جلسه حربه های فنی خود را تکرار میکند. کارگران اعتراض میکنند. مدیر عامل جواب قانع کننده نمی دهد. اعتراض کارگران اوج میگیرد. مدیر عامل به کارگران توهین میکند و میگوید همین است که هست، هرکاری میخواهید بکنید، بروید اعتصاب کنید، کارگران با لحن شد بدتری اعتراض میکنند. یکی از کارگران میگوید: کارگران، اگر ما اخراج کردیم، ان امید برای " حرف زدن" امروز است. مدیر عامل آنها را تهدید به اخراج میکند. کارگران ما، بر عامل را هو می کنند. مدیر عامل جلسه را ترک میکند، کارگران در جلسه تصمیم به ادامه مبارزه می گیرند و سائل را ترک نمی نمایند.

روز بعد ایادی کارنوما حکم اخراج دونفر از کارگران را ( یکی از کارگران کسی بود که در جلسه گفت مرا بخاطر حرف زدن اخراج خواهند کرد ) برد رویار کارخانه نصب میکنند. کارگران به محض اطلاع از جریان اخراج همکاران خود گرد هم می آیند و پس از گفتگو با یکدیگر در محوطه کارخانه تجمع کرده و از مدیر عامل میخواهند که علت اخراج دونفر را توضیح دهد. مدیر عامل از عدم صلاحیت در کار و اخلال در تولید این افراد حرف میزند. کارگران اعتراض میکنند. یکی از افراد اخراج شده حاضر در جلسه در ضمن رد حرفها و اتهامات مدیر عامل از خود دفاع کرده و می گوید " دادگاه من کارخانه است و کارگران قضا و هیئت منصفه من هستند. آنها باید مرا محاکمه کرده و برای دهند " کارگران این پیشنهاد را تأیید میکنند و بعلت طولانی شدن جلسه ادامه مبارزه را به فردا موکول میکنند.

صبح روز بعد انتظامات کارخانه از ورود دونفر جلوگیری میکند. کارگران به محض اطلاع در محوطه کارخانه گرد هم می آیند. چند تن از کارگران در مورد اتحاد کارگران و حق دخالت کارگران در تعیین سرنوشت خود صحبت میکنند. مدیر عامل ضمن حضور در این جلسه اعلام میدارد که چون

بسم الله الرحمن الرحیم

# کارگران جهان متحد شوید!